

دنیاطنین پیروزی ایران را
خواهد شنید

صادق

سلام بر محرم



هفته نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیست و پنجم | شماره ۱۲۴۱ | دوشنبه ۲۵ خرداد ۱۴۰۵ | ۲۹ ذی الحجه ۱۴۴۷ | ۱۵ ژوئن ۲۰۲۶ | ۸ صفحه | نسخه الکترونیکی

۲
سرمقاله

علی حیدری

۲
نگاه

مهدی عامری

بدعت شوم در بعثت مردم

۳
تاریخ

سید مهدی حسینی

حاکمیت میلیتاریستی

۳
تاریخ

معماری ایرانی

بازنویسی معادلات دریایی با ابتکار ایران در تنگه هرمز

۴
پاسدارترامپ به دنبال فرار
آبرومندان است۴
پاسدارغرش پدافندها
پاسخ موشکها۵
پیوست

حسین سلامی

روایت صبح صادق از زبان همزمانان سردار حسین سلامی، در سالگرد شهادت فرمانده سپاه

فرمانده
مقدر و مهربان

معادله چند مجهولی!

رضا صارمی‌راد

کارشناس مسائل
بین‌الملل

رسانه‌های ایرانی و آمریکایی گمانه‌زنی‌های بسیاری را درباره مفاد توافق احتمالی که این روزها از آن حرف زده می‌شود منتشر کرده‌اند، اما مسئولان تنها رسانه‌ها را از گمانه زنی در این باره بر حذر می‌دارند، و تایید یا تکذیبی در کار نیست.

رسانه‌ها نقل می‌کنند، این تفاهم‌نامه، توافق، یا هرچه که بخواهیم نامش را بگذاریم، به محض امضا، دو طرف را وارد یک مرحله ۶۰ روزه از مذاکرات فشرده می‌کند که عمدتاً مربوط به مذاکرات کارشناسی و فنی بر سر برنامه صلح آمیز هسته‌ای ایران است. این در حالی است که خود توافق اولیه احتمالاً، تنها به افزایش صدور مجوز عبور کشتی‌ها از تنگه هرمز و کاهش محاصره دریایی از سوی آمریکایی‌ها محدود باشد.

مسئله مهم دیگر، موضوع متحدان ایران در منطقه است. ایران در مذاکرات تلاش بسیاری برای گسترش آتش‌بس به لبنان دارد. اما مسئله حزب‌الله امروز به شدت برای شخص نتانیاهو اهمیت دارد؛ نتانیاهو که نتوانسته وعده‌هایش درباره جنگ با ایران را برآورده کند موضوع لبنان و بازگرداندن امنیت به شهرک‌ها و مناطق شمال سرزمین‌های اشغالی تنها دستاوردی است که می‌تواند در انتخابات آینده به افکار عمومی بفرود و در قدرت بماند! از طرف دیگر فشارهای دولت لبنان نیز بر سر مسئله خلع سلاح حزب‌الله همچنان باقی است.

در برابر هر توافق احتمالی این پرسش اصلی مطرح است «چه چیزی برای ایران حاصل می‌شود؟»

آمریکایی‌ها در رسانه می‌گویند ایران به واسطه امضای تفاهم اولیه هیچ نفع اقتصادی دریافت نخواهد کرد. آنها مدعی هستند هر چیزی را در روند آینده منوط به رفتار ایران کرده‌اند و همه چیز به صورت مرحله‌ای خواهد بود. هر چند مقامات آمریکایی و رسانه‌ها از آزادسازی پول‌ها یا حتی برداشته شدن تحریم‌ها سخت به میان آورده‌اند، اما در نگاه آنها این مسائل نه به مثابه حق مردم و حاکمیت ایران، بلکه نوعی پاداش (Reward) است؛ مشوق‌هایی اقتصادی که قرار است به صورت مرحله‌ای ایران را به سمت پیشبرد توافق راهبری کند.

در نهایت، هنوز مشخص نیست که مفاد این قرارداد دقیقاً چیست و ایران چه تضمین‌هایی را برای دریافت خواهد کرد. آنچه مسلم به نظر می‌رسد، این است که توافق پیش‌رو، هر چند این تفاهم یک قدم رو به جلوست اما در حقیقت با یک معادله چند مجهولی طرف هستیم که پیچیدگی‌های زیادی برای هر دو طرف دارد، و بیشتر از زمان و شکل امضای آن، چگونگی اجرا، تفسیرها و پیامدهای آن اهمیت دارد! سرنوشتی که در هاله‌ای از عدم قطعیت باقی مانده است.



علی حیدری

سردبیر

خبر امضای قریب الوقوع تفاهم‌نامه میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا برای خاتمه دادن به جنگ تحمیلی ناجوانمردانه ای که به ماه پیش علیه کشورمان آغاز شد، چیزی جز اقرار به نافرجامی توطئه‌های آمریکا و رژیم صهیونی نیست. این پیروزی ثمره مقاومت خستگی‌ناپذیر ملت بزرگ ایران، هوشمندی و آمادگی نیروهای مسلح و تمسک به خطوط قرمز عزت ملی رقم خورده است. دشمنی که ماه‌ها با تبلیغات سهمگین، تجاوز نظامی، ترور و محاصره اقتصادی، قصد تسلیم و تغییر سیاسی در ایران و دگرگون کردن معادلات منطقه را داشت، این بار در برابر اراده فولادین ایرانیان سر تعظیم فرود آورد.

با مطالعه‌ای در تاریخ جنگ‌ها و آتش افروزی‌های آمریکایی‌ها، معلوم می‌شود که به ندرت پیش آمده که این ابرقدرت جنگ‌افروز،

پس از تجاوز نظامی و جنایت‌های فراوانی که مرتکب شده، تن به امضای تفاهم با طرف مقابل بدهد. اما ایران سربلند، معادلات همیشگی واشنگتن را برهم ریخت. ایستادگی راسخ ملت، آمادگی تهاجمی و تدافعی نیروهای مسلح و پافشاری مسئولان بر اصول انقلابی و منافع ملی کشور، موجب شد تا دشمنان ملت ایران تنها راه چاره را در عقب‌نشینی تاکتیکی و پذیرش تفاهم ببینند و این همان شکست هیمنه دشمن است که هرگز نمی‌خواست به آن اعتراف کند.

واقعیت این است که جمهوری اسلامی به خوبی می‌داند که سابقه خیانت‌ها و جنایت‌های آمریکا و رژیم صهیونی اجازه اعتماد به آنها را نمی‌دهد. بنابراین، این تفاهم به مثابه مهلت عمل به طرف مقابل است؛ نه یک توافق نهایی مبتنی بر اعتماد. لذا تهران با چشمانی باز، هر قدم آمریکا را رصد خواهد کرد تا شاهد رفع مؤثر تحریم‌ها و توقف اقدامات خصمانه در عمل باشد. نیروهای مسلح ایران همچنان انگشت بر ماشه و تجهیزات نوین بازدارنده،

امضای اعتراف نامه!

آماده‌اند تا هرگونه نقض تفاهم را با پاسخی کوبنده و پشیمان‌کننده مواجه‌سازند.

در اینجا اما باید توجه داشت که این برهه تاریخی، همچون دوران دفاع مقدس، نیازمند انسجام و همکاری فراقوه‌ای و همدلی و وحدت فراجناحی است. دشمن که در میدان نبرد و دیپلماسی ناکام مانده، اکنون جنگ روانی و شبهه‌افکنی را کلید زده تا از درون، دستاوردهای بیرونی را تخریب کند. از این رو، تبعیت از رهنمودهای حکیمانه فرماندهی معظم کل قوا، اعتماد به ساختارهای نظامی-سیاسی کشور و حمایت از کارگزاران نظام یک ضرورت قطعی است. تجربه ثابت کرده هر گاه ملت ایران متحد و گوش به فرمان ولایت بوده، طوفان‌های دشمن به صخره استوار ایمان خورده و در هم شکسته است.

نباید فراموش کرد که رمز این موفقیت بزرگ، دو بال اساسی دارد: اول ایستادگی محکم بر حقوق ذاتی ملت ایران، از جمله برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز، توان موشکی و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی.

دوم حمایت بی‌دریغ از جبهه مقاومت در فلسطین، لبنان و یمن.

دشمن آمریکایی-صهیونی گمان می‌کرد با فشار بر ایران، این محور استوار فرو می‌ریزد، اما غافل از اینکه مردم ایران، حمایت از آرمان قدس و مبارزه با ظلم را نه یک هزینه، که یک اصل راهبردی می‌دانند. همین حمایت، معادله قدرت را در منطقه به نفع ایران تغییر داد و واشنگتن را مجبور به عقب‌نشینی ذلت‌بار کرد.

امضای این تفاهم، خط پایان ماجرا نیست؛ بلکه آغاز مرحله‌ای تازه از رقابت هوشمندانه است. ملت ایران اثبات کرد با بصیرت، استقامت و اتحاد می‌تواند بزرگترین ماشین جنگی جهان را به زانو درآورد. امروز بیش از هر زمان دیگری به صبر انقلابی، تبعیت محض از فرامین رهبری و حمایت از نیروهای مسلح نیاز داریم. ما به دشمن اعتماد نداریم، اما از توان خود برای پایش و پاسخگویی مطمئنیم.

ان‌شاءالله با تداوم ایستادگی بر حقوق ملت و پشتیبانی از جبهه مقاومت، پیروزی نهایی حاصل خواهد شد.

بدعت شوم در بعثت مردم



مهدی عامری

کارشناس سیاسی



این روزها شاهد شکل‌گیری اجتماعات پرشور و خودجوش مردمی هستیم؛ اجتماعاتی که بخش عمده آنها صادقانه، فراگیر و برخاسته از احساسات، بصیرت و دغدغه‌های واقعی مردم هستند و به همین دلیل باید از آنها صیانت کرد. در کنار این حرکت‌های ارزشمند، در برخی موارد محدود شاهد رویه‌ای نگران‌کننده هستیم؛ اینکه بعضی جریان‌ها و تشکل‌های سیاسی، آشکار یا پنهان، مدیریت صحنه، استیج و تریبون را در اختیار می‌گیرند و به تدریج بعثت مردمی را به امتداد فعالیت‌های جناحی خود تبدیل می‌کنند.

اگر این اتفاق به رویه‌ای عادی تبدیل شود، یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های اجتماعی کشور، یعنی «میدان مستقل مردم»، آسیب خواهد دید. مسئله این نیست که احزاب و گروه‌های سیاسی حق فعالیت ندارند؛ اتفاقاً فعالیت شفاف سیاسی امری ضروری و طبیعی است. مسئله آنجاست که مرز میان «تجمع مردمی» و «میتینگ جناحی» مخدوش شود.

اگر این بدعت جا بیفتد، به جای یک صدای عمومی، با چندین صدای متعارض رویه‌رو خواهیم شد. هر میدان به قلمرو یک جریان خاص تبدیل می‌شود و دیگر هیچ تجمعی نمی‌تواند ادعای نمایندگی از افکار عمومی را داشته باشد؛ زیرا هر مطالبه‌ای به نام یک جناح ثبت خواهد شد.

آسیب مهم‌تر، مصادره مطالبات مردم است. هنگامی که سخن یک شهروند در بستری مطرح شود که تحت مدیریت یا نفوذ یک جریان سیاسی قرار دارد، آن سخن دیگر به عنوان «مطالبه مردم» شنیده نمی‌شود، بلکه

به عنوان «موضع آن جریان» تفسیر خواهد شد. در نتیجه، حقیقت سخن قربانی هویت سیاسی برگزارکنندگان شده و مطالبه عمومی به نزاع جناحی فروکاسته می‌شود. همچنین با سیاست‌زده شدن میدان‌های مردمی، امکان شکل‌گیری مطالبات و اعتراض‌های خودجوش نیز تضعیف می‌شود. میدان مردم باید محل انعکاس بی‌واسطه دغدغه‌ها و خواسته‌های عمومی باشد، نه محلی برای بازتولید گفتمان یک حزب خاص.

راه جلوگیری از این آسیب چندان پیچیده نیست. هر تجمعی که وابستگی تشکیلاتی یا سیاسی دارد، باید صریح و شفاف اعلام کند که زیر نظر کدام حزب، جریان یا تشکل برگزار می‌شود و مسئولیت کامل شعارها و مواضع آن را نیز بپذیرد. در مقابل، هر تجمعی که عنوان «مردمی» را بر خود می‌نهد، باید از نمادها، سهم‌خواهی‌ها و

مدیریت جناحی فاصله بگیرد. این تفکیک ساده، هم به شفافیت سیاسی کمک می‌کند و هم از مصادره بسترهای مردمی جلوگیری خواهد کرد.

و یک سخن صریح با همه جریان‌های سیاسی، به‌ویژه آنان که خود را ولایت‌مدار می‌دانند: اگر ولایت‌مدار هستید، اجازه دهید این اجتماعات مردمی بمانند. هنر آن نیست که پشت تریبون مردم قرار بگیرید؛ هنر آن است که تریبون را برای مردم حفظ کنید. میدان مردم را به نام هیچ حزب و جناحی مصادره نکنید. این اجتماعات هر چه خالص‌تر، فراگیرتر و مردمی‌تر باشند، برای انقلاب و کشور مفیدتر خواهند بود.

بعثت زیبای مردم را نباید با رقابت‌های جناحی و سهم‌خواهی‌های سیاسی مخدوش کرد. میدان مردم، سرمایه همه مردم است؛ نه حیاط خلوت احزاب و نه ملک مشاع

جناح‌ها. ولایت‌مداری را نه در استخدام میدان مردم به نفع سلاطین سیاسی، بلکه در پاسداری از مردمی ماندن آن باید نشان داد.

البته مردم فهیم و مبعوث، در این بیش از صد شب نشان داده‌اند که در افق بالاتر از دسته‌بندی‌های سیاسی ایستاده‌اند. آنان صاحب اصلی این میدان هستند و اجازه نخواهند داد سرمایه اجتماعی بزرگی که برای ایران، انقلاب، نظام اسلامی و رهبری شکل گرفته، به دست منافع جناحی مصادره شود؛ چه از سوی کسانی که پنهانی در پی جهت‌دهی صحنه‌اند و چه از سوی آنان که آشکارا با هویت تشکیلاتی وارد میدان می‌شوند. حفظ این وحدت مردمی، خود یکی از مهم‌ترین دستاوردهایی است که باید از آن پاسداری کرد و هر اقدامی که به آن آسیب بزند، برخلاف مصالح مردم و انقلاب خواهد بود.

همنشینی با آیت‌الله مطهری

برشی از زندگینامه و خاطرات رهبر شهید انقلاب اسلامی - ۱۰

مهدی سعیدی

دبیر گروه تاریخ

دوستی و مرادوتی با «آیت‌الله مرتضی مطهری»، یکی از روابط مهم در زندگی آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای است. نقطه آغاز این روابط، شهرت علمی وافر علامه مرتضی مطهری بود که پیش از همه در میان حوزویان و دانشجویان علوم دینی زبانزد شده بود. آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، چندسالی از آیت‌الله مطهری کوچکتر بود و جوای دیدار او. حوزه‌ها معمولی شد برای آشنایی و به‌ویژه دیدارهای «مدرسه مروی» تهران بر صمیمیت این آشنایی افزود. آقای خامنه‌ای در این باره می‌گویند: «ایشان در تهران تدریس می‌کردند در مدرسه مروی، مدرسه مروی هم پاتوق ما بود. هر وقت از قم می‌آمدیم، حتماً مدرسه مروی سری می‌زدیم. طبعاً علاقه‌مند بودیم که با ایشان آشنا بشویم؛ آشنا هم شدیم خیلی زود، بعد که با آقای مطهری آشنا شدیم، دوستی مان خیلی صمیمی و گرم شد، به طوری که بعدها خیلی از اوقات ایشان مشهد که می‌آمدند منزل من می‌آمدند و من تهران که می‌آمدم، حتماً ایشان را می‌دیدم و بعضی کارهای مشترکی هم با هم داشتیم؛ کارهای علمی مشترک.»

نمونه این همکاری‌ها زمانی بود که شهید مطهری می‌خواست یادداشت‌های «اسلام و مقتضیات زمان» خود را به اثری تألیفی تبدیل کند. آیت‌الله خامنه‌ای، گزینه اصلی او برای این تحقیق و تألیف بود: «ایشان یک مقدار سخنرانی کرده بودند گمانم یک ماه رمضان، درباره اسلام و مقتضیات زمان. یک وقتی به من گفتند که من یک چنین سخنرانی‌ای کردم و مایلیم شما این را تحصیل کنید، یعنی پخته و تکمیل کنید، اگر آماده باشید. گفتم باشد. البته مرد بزرگواری بود آقای مطهری، واقعاً برای کارهایش هدف‌های معنوی در نظر داشت، نه هدف‌های ظاهری. وقتی که این را به من محول

می‌کردند، گفتند که شما این را وقتی که تحریر کردید به هر نامی خواستید منتشر کنید، به عنوان تألیف، تألیف مطهری، تألیف خامنه‌ای، تألیف مشترک، هر چی خواستید بگذارید که خوب طبیعی بود که این تراوش شهید مطهری بود و اگر من هم همچنین کاری می‌کردم، نقش اولی و اصلی مربوط به ایشان بود، به من ارتباطی نداشت، درعین حال ایشان با این سعه صدر و بزرگواری این حرف را می‌زد.»

سفرهای سالانه شهید مطهری به مشهد، یک سوی دیگر این دیدارها بود. این دیدارها یا در «رز هتل» مشهد انجام می‌شد که محل اقامت آیت‌الله مطهری بود یا منزل آیت‌الله خامنه‌ای. موضوع بخش عمده‌ای از آنچه در این دیدارها و روابط مطرح می‌شد، به مباحثات و تعاملات علمی اختصاص داشت.

جایگاه ویژه استاد در حوزه تبیین و تدریس معارف دینی تا آنجا بود که آیت‌الله خامنه‌ای اعلام می‌دارد: «من خودم را شاگرد آقای مطهری می‌دانم و با ایشان دوستی صمیمانه و نزدیک داشتم. دوستی ما از پیش از انقلاب خیلی گرم و مهربانانه بود، بارها اتفاق می‌افتاد که به منزل یکدیگر (منزل ایشان در تهران و منزل ما در مشهد) می‌رفتم و روزها و شبها با هم بودیم. روزی به ایشان گفتم: «من شاگرد شما هستم.» تعجب کردند و گفتند: «شما پیش بنده درس نخوانده‌اید.» حقیقتاً هم بنده پیش استاد مطهری درس نخوانده بودم، اما یکی از عناصری که بنده اصلی فکر اسلامی من را پایه‌گذاری کرد، سخنرانی‌های بیست سال پیش آقای مطهری بود. این سخنرانی‌های استاد

مطهری برای کسانی که بخواهند در زمینه‌های اساسی اسلام چیزی بیاموزند، مانند یک معلم کاربرد دارد.»

تأثیر پذیری آیت‌الله خامنه‌ای از مطهری در آثار ایشان نیز قابل مشاهده است. خود ایشان یادآور می‌شوند که: «بنده، حقیر خودم در طول مدت زندگی‌م که من کار فکری داشتم، خیلی‌های‌تان می‌دانید، شاید بعضی‌های‌تان بودید توی بحث‌های بنده در مشهد که داشتم، عمده کار بنده با استفاده از افکار آقای مطهری است؛ این یادتان باشد. بنده از افکارم به خود ایشان هم می‌گفتم من همیشه، با ایشان ما خیلی رفیق بودیم... من می‌گفتم که من غالب کارهایم با استفاده از حرف‌های شماست، کتاب‌هایی را اسم می‌آوردم ایشان تعجب می‌کرد، می‌گفت عجب این کتاب‌ها اینقدر خوب است من نمی‌دانستم؟»

البته همانطور که اشاره شد این رابطه یکسویه نبود و تعلقات آیت‌الله مطهری به آیت‌الله خامنه‌ای نیز بسیار بود. مطهری، جلسات درس و بحث آیت‌الله خامنه‌ای در مشهد را

جایگاه ویژه استاد در حوزه تبیین و تدریس معارف دینی تا آنجا بود که آیت‌الله خامنه‌ای اعلام می‌دارد: «من خودم را شاگرد آقای مطهری می‌دانم و با ایشان دوستی صمیمانه و نزدیک داشتم. دوستی ما از پیش از انقلاب خیلی گرم و مهربانانه بود، بارها اتفاق می‌افتاد که به منزل یکدیگر (منزل ایشان در تهران و منزل ما در مشهد) می‌رفتم و روزها و شبها با هم بودیم



مؤثر و سودمند می‌دانست و برای همین، وقتی که آگاه شد نیروهای امنیتی طاغوت جلسات مسجد کرامت را به تعطیلی کشانده‌اند، به شدت متأسف شد و اظهار داشت: «همه مراکز حساس را که اشرفی دارد می‌بندند. انسان متحیر می‌ماند چه کند و چه بگوید.» وی گفت: «سیدعلی خامنه‌ای از نمونه‌های ارزنده‌ای است که برای آینده موجب امیدواری است و در این مدت کوتاه در مشهد کارهای پرثمری انجام داده که یکی از آنها جمع کردن جوانان روشنفکر و بیدار بوده و به همین جهت وی مورد توجه [امام] خمینی هم واقع شده و [امام] خمینی دستور داده که هواخواهان وی [آیت‌الله] خامنه‌ای را حمایت کنند.»

در ماجرای دستگیری آیت‌الله خامنه‌ای نیز آقای مطهری در دانشکده الهیات تهران و اکثراً نشان داد و ابراز داشت: «ما کمتر نمونه ارزنده‌ای چون خامنه‌ای داریم. و این نیروها هم باید به این گونه هدر و در گوشه‌های زندان تلف گردند.» مطهری پس از ستودن خامنه‌ای او را از عوامل مؤثر در روشن کردن افکار اجتماع دانست. آقای خامنه‌ای از حمایت‌های استاد مطهری چنین یاد می‌کنند: «شهید مطهری هجده سال از من بزرگتر بود یعنی یک نسل از من مسن‌تر بود با این همه، باهم دوستی فوق‌العاده‌ای داشتیم. ایشان همواره می‌کوشید از جایگاه اجتماعی من حمایت کند و در سخنرانی‌ها و مجالس خود از من یاد می‌کرد.»

حافظه

سقوط تئوچیتلان

مروری بر حضور استعمارگران اروپایی در قاره آمریکا

فرد مناسبی برای این مقام نبود و به بهانه یک توطئه، وارد معبد اصلی آرتک‌ها شد و تمام راهبان و حاضران در معبد را قتل عام کرد.

آرتک‌ها به شورش دست زدند. هر ناندو کورتز پس از اطلاع از شورش آرتک‌ها به سرعت بازگشت؛ اما متوجه شد اوضاع تئوچیتلان غیرقابل کنترل است؛ بنابراین دستور عقب‌نشینی سربازان خود را صادر کرد. کورتز به همراه ۵۰۰ سرباز اسپانیایی تصمیم گرفت به سرعت پایتخت امپراتوری آرتک را در شب ۳۰ ژوئن سال ۱۵۲۰ میلادی، ترک کند. مردم پل‌هایی که عبور از مرداب‌های پیرامون شهر را ممکن می‌کرد، از بین بردند و نیمی از سربازان اسپانیایی را به قتل رساندند و بقیه آنها به همراه کورتز موفق به فرار شدند.

کورتز، یکسال بعد در سال ۱۵۲۰، با ۹۰۰ مرد جنگی و ۱۰۰ اسب و هزاران نفر بومی از تالاسکالا که مخالف آرتک‌ها بودند، دوباره به تئوچیتلان حمله کرد. او بر سر راه خود شهرهایی را که مقاومت می‌کردند به آتش می‌کشید. کورتز در مسیر رسیدن به پایتخت آرتک‌ها، سه هزار سرباز خود را قتل عام کرد! آنها تئوچیتلان را به مدت سه ماه محاصره کردند و سرانجام بر اثر حملات متعدد، شیوع بیماری آبله و گرسنگی، پایتخت سقوط کرد و امپراتوری آرتک نابود شد.

سرخ‌پوستان آرتک که ساکنان اصلی مکزیک بزرگ به شمار می‌آمدند، بر اساس یک اسطوره قدیمی خود، به خدایی با نام «کتز الکوالت» معتقد بودند که روزی به قصد فتح سرزمین‌های جدید خاک آرتک‌ها را ترک کرده بود و باید با بازماندگان خود با هیبت جدیدی باز می‌گشت. بنابراین، وقتی سواره نظامان «هرنان کورتز» اسپانیایی به این سرزمین هجوم آوردند، فرماندار آرتک‌ها جرئت نکرد مانع ورود آنان به پایتخت باشکوهش شود و بدون مقاومت تسلیم شد!

کورتز به شهر اول که رسید، رؤسا و بزرگان را در فضای معبد شهر دعوت کرد؛ ولی به جای مذاکره درهای معبد را بست و دستور داد همگی را بکشند. وقتی خبر این کشتار به پادشاه آرتک رسید، پیشکش‌ها و طلای بیشتری فرستاد و بیرون دروازه پایتخت خود از کورتز استقبال کرد و جلوس او را زانو زد؛ چون یقین کرد او همان خدایی است که در انتظارش بودند. بعد از دو ماه پذیرایی شایان و تقدیم تمام طلای موجودی خزانه، پادشاه به دستور کورتز توقیف شد.

کورتز به آسانی شهر را تصرف کرد؛ ولی به زودی ناگزیر شد برای مقابله با ورود یک رقیب به نواحی ساحلی، بازگردد. وی اختیار شهر و مراقبت از امپراتور را به یکی از معاونان خود به نام «پدرو دو آلارو» سپرد؛ اما وی

دهلیز

«ریشه‌ها»، کتاب مغتنمی است

بازخوانی تاریخ از افق شهید آیت‌الله العظمی خامنه‌ای

که کردند، فشارهایی که آوردند. عین همین قضیه به وسیله انگلیسی‌ها در استرالیا اتفاق افتاد. انگلیسی‌ها در استرالیا مردم بومی را مثل حیوانات، مثل کانگورو به عنوان تفریح شکار می‌کردند؛ آنها برای جان انسان‌ها هیچ ارزشی قائل نبودند. این یک نمونه است؛ [البته] صدها مثال دارد که در کتاب‌های خودشان، در تواریخ خودشان اینها آمده است. غارت منابع حیاتی ملت‌ها برای شان آسان است. ربودن و اسیر کردن سیاهان، یکی از ماجراهای گریه‌آور تاریخ [است] که نظام سلطه آمریکا و امثال آن دوست ندارند این داستان احیا بشود، [که یک نمونه‌اش] همین مسئله غلام و کنیز گرفتن مردم آفریقا است؛ کشتی‌ها را از آقیانوس اطلس می‌آوردند، در سواحل کشورهای غرب آفریقا مثل گامبیا و امثال اینها نکه می‌داشتند، بعد می‌رفتند با تفنگ و سلاح‌هایی که دست مردم آن روز از این سلاح‌ها خالی بود، صدها و هزارها پیر و جوان و مرد و زن را می‌گرفتند، با شرایط بسیار سختی با این کشتی‌ها برای بردگی به آمریکا می‌بردند. انسان آزاد را که در خانه خودش زندگی می‌کرد، در شهر خودش زندگی می‌کرد، به اسارت می‌گرفتند؛ الان سیاهانی که در آمریکا هستند، از نسل آنهاست. چند قرن آمریکایی‌ها این فشار عجیب را آوردند که [در این زمینه] کتاب‌ها نوشته‌اند که این کتاب «ریشه‌ها» کتاب مغتنمی است برای نشان دادن گوشه‌ای از این فجایع. انسان امروز چطور می‌تواند اینها را فراموش کند؟»

تاریخی که به نام اروپا و غرب جدید در جهان شناخته شده، مملو از قتل و جنایت و خیانت است که پیشینه مدعان حقوق بشر و صلح و امنیت جهانی را تشکیل می‌دهد. در سال ۱۳۹۲، رهبر شهید انقلاب اسلامی عملکرد غرب در پنج قرن اخیر را بررسی کردند و گوشه‌ای از حقایق سیاه آن دوران را بر شمرند و در نهایت جوانان بسیجی را به مطالعه کتابی ارزشمند دعوت کردند. ایشان چنین فرمودند:

«یکی از شاخص‌های استعمار و استکبار این است که جنایت را نسبت به ملت‌ها و نسبت به آحاد بشر مجاز می‌شمرند و اهمیت نمی‌دهند. این یکی از بلاهای بزرگ استکبار در دوران جدید است؛ دوران جدید یعنی دوران پیشرفت علم، پدید آمدن سلاح‌های خطرناک، که این سلاح‌ها هم [از وقتی به] دست مستکبرین رسید، بالای جان ملت‌های عالم شد؛ برای جان انسان‌ها هر انسانی که با آنها همراه نباشد، تسلیم آنها نباشد، تابع آنها نباشد. هیچ ارزشی قائل نیستند؛ مثال‌ها، الی ماشاءالله [وجود دارد]. یک مثال، برخورد مستکبرین با بومیان آمریکاست؛ همین کشوری که امروز منابع مالی آن، امکانات آن، موقعیت جغرافیایی آن، همه چیز آن در اختیار غریب‌بومیان آن منطقه است. خوب اینجا مردم بومی‌ای وجود داشتند؛ برخورد با آنها به قدری خشن، به قدری مشتمزکننده است که یکی از نقاط تاریک تاریخ آمریکای جدید است؛ خودشان درباره آن، چیزها نوشته‌اند؛ کشتارهایی

۳

تاریخ

شماره ۱۲۴۱ | دوشنبه ۲۵ خرداد ۱۴۰۵

صداق

تقویم انقلاب

حاکمیت میلیتاریستی

رسوایی‌های آمریکا در تاریخ معاصر ایران - ۸

سید مهدی حسینی

مورخ و پژوهشگر



دوره نخست‌وزیری «حسین علاء»، مرحله‌ای بود که برخی از پایه‌های استقرار آمریکایی‌ها در ایران تثبیت شد. از نظر نظامی با صرف بودجه‌های هنگفت به سازماندهی نیروهای ارتش وقت پرداخته شد و از نظر توسعه اقتصادی نیز طرح‌ریزی برنامه پنج ساله و هفت ساله کشور آغاز شد؛ یعنی از فروردین ۱۳۳۴ تا ۱۵ فروردین ۱۳۳۶ دوره نخست‌وزیری او بود که در آن مأموریت‌هایی برای اجرای سیاست‌های آمریکایی انجام می‌شد.

پایه‌ریزی سازمان برنامه و بودجه کشور در این زمان و در نهاد نخست‌وزیری صورت گرفت. این سازمان ابتدا به منزله یک دفتر مشورتی در نخست‌وزیری کار را آغاز کرد و مسئول این دفتر هم یک آمریکایی بود؛ موضوعی که مشخص می‌کرد سیاست‌ها به چه سمتی سیر می‌کند.

مستشاران آمریکایی و بعضاً کشورهای اروپایی به ایران سراریز شدند. عمده بودجه دولت متوجه تقویت سازمان‌های دفاعی و انتظامی کشور می‌شد، به طوری که آمارها نشان می‌دهد، در یکی از این سال‌ها بودجه دفاعی کشور ۲۱ درصد از کل بودجه بود.

پس از جنگ جهانی دوم، آمریکایی‌ها به این نتیجه رسیدند که برای حفظ منافع خود، باید کشورهای را به صورت دسته جمعی در

پیمان‌هایی متمرکز کنند. در این راستا، دو پیمان بزرگ ناتو و سنتو تشکیل شده بود، فقط یک فاصله میان این دو پیمان بود که با تشکیل پیمان بغداد این خط دفاعی یا حلقه بسته شد؛ به گونه‌ای که پیمان ناتو از اروپای غربی شروع می‌شد و تا ترکیه امتداد داشت و پیمان سینو از پاکستان شروع می‌شد و به اندونزی ختم می‌شد. آنها این فاصله را با مجموعه‌ای از کشورهای ترکیه، عراق، ایران و پاکستان در چارچوب پیمان بغداد به هم متصل کردند که ماجرای خفت‌باری بود.

از دیگر اقدامات این دوره که در نخست‌وزیری علاء رسمیت داده شد، قانونی کردن سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) بود.

در حقیقت، علاء وظیفه‌ای که بر عهده داشت، به خوبی انجام داد و شکل‌دهی سازمان‌ها و نهادهایی که برای حاکمیت آمریکا لازم بود، چه از جنبه داخلی و چه از نظر خارجی در دو سال نخست‌وزیری او پی‌ریزی شد؛ اما گردانندگان اصلی کشور احساس کردند که او بیش از این نباید بر مسند امور و در پست نخست‌وزیری باقی بماند، لذا او را برکنار کردند و حکم نخست‌وزیری را به فرد دیگری به نام «اقبال» دادند. در یک جمع‌بندی باید گفت، در حالی که ادعا می‌شد آمریکایی‌ها و غرب دارای اندیشه دموکراسی هستند، در واقع یک حاکمیت نظامی‌گری (میلیتاریستی) را اداره می‌کردند.

استراتژی کتمان

چرا سنتکام اصابت موشک‌های ایران را سانسور می‌کند؟

تحولات نظامی میدان پس از آغاز آتش‌سوزی در ۱۹ فروردین تا به امروز وارد مرحله زد و خورد پینگ‌پنگی میان نیروهای مسلح ایران و ارتش تروریستی آمریکا شده است. در این میان، آنچه مورد بحث ماست یافتن چرایی «کوچک‌نمایی و انکار تحقیرآمیز» فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) در قبال ضربات تلافی‌جویانه نیروهای مسلح ایران است.

واشنگتن و بازوهای رسانه‌ای آن در حالی حملات پهنای و موشکی اخیر ایران را بی‌اهمیت و فاقد اثر عملیاتی توصیف می‌کنند که گزارش‌های دقیق میدانی و تصاویر اطلاعاتی، از اصابت‌های موفق پرتابه‌های سپاه و ارتش به پایگاه‌ها و شناورهای متخصص حکایت دارند. نمود عینی این شکست اطلاعاتی—عملیاتی آمریکا، انتشار تصاویر ماهواره‌ای ناظر بر آتش‌سوزی در یک ناوشکن آمریکایی در آب‌های منطقه است که تشست رسوایی پدافند سنتکام را از بام می‌اندازد.

همچنین در هفته جاری رژیم صهیونی با حملات موشکی سنگین نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مواجه شد که این حملات خسارت‌های سنگینی را در سرزمین‌های اشغالی رقم زد. در پی این رخداد، سنتکام مدعی شد در رهگیری موشک‌ها هیچ کمکی به رژیم صهیونی انجام نداده و حملات ایران هم موفقیت‌آمیز نبوده است.

برای درک علت این هذیان‌گویی و انکار از سوی مقامات پنتاگون، باید رویکرد کنونی را در پازل بزرگ‌تر ناکامی استراتژیک آنها تحلیل کرد. ارتش تروریستی آمریکا با نقض مکرر آتش‌بس و حمله به مواضع کشورمان در حالی در هفته گذشته به بندرعباس و دکل‌های مخابراتی جزایر جنوبی حمله کرد که در ابتدای جنگ با ایران با چهار هدف وارد گود شده بود که در چهار تانک آن ناکام مانده بود: «تغییر حاکمیت»، «تجزیه ایران از طریق فعال‌سازی پیاده‌نظام مزدوران کرد در شمال عراق»، «سقوط اقتصادی از طریق اشغال جزیره راهبردی خارک» و در نهایت «نابودسازی و تخلیه ذخایر اورانیوم اصفهان در عملیات موسوم به طیس ۲»

از این رو می‌توان گفت، شکست قطعی و مفتضحانه هر چهار طرح پیوسته آمریکایی، ماشین جنگی ترامپ را با بن‌بست کامل مواجه کرد. هنگامی که یک ابرقدرت (که جنگ رمضان نشان داد به چه اندازه پوشالی است) مدعی در دستیابی به اهداف کلان خود ناکام می‌ماند و حتی در حوزه تاکتیکی نیز ضربات سنگینی را بر پیکره شناورها و آشیانه‌های خود در غرب آسیا متحمل می‌شود، چاره‌ای جز پناه بردن به فاز تکذیب، نشر اخبار دروغین و ادعاهای واهی درباره میزان رهگیری پرتابه‌های ایران ندارد. این رفتار مسبوق به سابقه است؛ روزگاری دستاوردهای صنعت دفاعی بومی ما را «فتوشاپ» و «آبگر مکن» می‌نامیدند، اما امروز که غرش موشک‌های ایرانی قلب پایگاه‌های آمریکا و مواضع رژیم صهیونیستی در رامت دیوید، بئر السبع و رامت‌گان را شکافته، دشمن ناچار به سانسور حد اکثری شده است.

سردار ابوالفضل شکارچی

ترامپ به دنبال فرار آبرومندانه است

که این قدرت‌نمایی‌ها بیش از آنکه واقعی باشد، تبلیغاتی است.» سخنگوی ارشد نیروهای مسلح تأکید کرد: «ما در میدان عمل پاسخ دشمنان را داده‌ایم و خواهیم داد. شعار، توتیت و جنگ روانی هیچ مشکلی را برای آمریکا حل نخواهد کرد.» سردار شکارچی با اشاره به اقدامات آمریکا در منطقه، تصریح کرد: «ترامپ هر جنایتی که مرتکب شده، چندین برابر آن خسارت دیده است و در آینده نیز خسارت‌های بیشتری متحمل خواهد شد.»

وی در پایان خاطر نشان کرد: «امروز ترامپ به دنبال راهی برای خروج از این جنگ و بحران‌هاست و تلاش می‌کند راه فراری آبرومندانه برای خود پیدا کند، اما جمهوری اسلامی ایران اجازه نخواهد داد آمریکا و ترامپ به صورت آبرومندانه از تبعات اقدامات خود رهایی یابند.»

سخنگوی ارشد نیروهای مسلح تأکید کرد: «امروز ترامپ به دنبال راهی برای خروج از این جنگ و بحران‌هاست و تلاش می‌کند راه فراری آبرومندانه برای خود پیدا کند.» سردار ابوالفضل شکارچی، سخنگوی ارشد نیروهای مسلح با اشاره به مواضع و اظهارات اخیر دونالد ترامپ اظهار داشت: «ترامپ آنقدر که در میدان شعار، توتیت و فضا سازی رسانه‌ای فعال است، در میدان عمل ضعیف و ناتوان نشان داده است.»

وی افزود: «جمهوری اسلامی ایران در عمل به دنیا ثابت کرده است که قدرت واقعی در اراده ملت ایران، رزمندگان ایرانی و هدایت‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی نهفته است. روزگاری ارتش آمریکا به‌عنوان قدرتمندترین ارتش جهان معرفی می‌شد، اما امروز افکار عمومی جهان دریافته است

سردار علی عبداللهی

دنیا طنین پیروزی ایران را خواهد شنید

فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء (ص) حضور استوار ملت ایران اسلامی در میدان را پشتوانه مستحکم نیروهای مسلح دانست و گفت: «به فضل الهی جهانیان به‌زودی طنین پیروزی ایران و ایرانی را خواهند شنید.»

«سردار سرلشکر پاسدار علی عبداللهی» فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء (ص) در پیامی به آیین بزرگداشت نخستین سالگرد شهادت سپهبد شهید «غلامعلی رشید» و فرزندش «امین عباس رشید» نوشت: «شهید رشید نه فقط یک فرمانده میدانی، که یک مکتب در عرصه دفاع و امنیت ملی بود؛ او که در دوران دفاع مقدس به عنوان یکی از معماران اصلی عملیات‌های غرور آفرینی نظیر فتح‌المبین، بیت‌المقدس و کربلای ۵ در قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء ایفای نقش کرد، با

فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء (ص) حضور استوار ملت ایران اسلامی در میدان را پشتوانه مستحکم نیروهای مسلح دانست و گفت: «به فضل الهی جهانیان به‌زودی طنین پیروزی ایران و ایرانی را خواهند شنید.»

فرانس قصد نزدیک شدن و مداخله در صحنه نبرد را داشت، در آسمان شهرستان جم استان بوشهر مورد اصابت آتش رزمندگان قهرمان پدافند هوایی نوین سپاه قرار گرفت و منهدم شد.»

پهپادها به مقصد رسیدند

در ادامه عملیات مقابله با شرارت‌ها و مزاحمت‌های ارتش تروریستی آمریکا برای ساکنان جنوب کشور، بامداد چهارشنبه، ارتش جمهوری اسلامی ایران در اقدامی متقابل، با موجی از حملات پهنای، پایگاه‌های آمریکایی و سامانه‌های راداری ناوگان پنجم ایالات متحده را در بحرین آماج حملات خود قرار داد.

انهدام چهار پایگاه آمریکایی

روابط عمومی سپاه در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «به دنبال عملیات موفق نیروی دریایی سپاه در مورد اصابت قراردادن ۲۱ هدف در پایگاه‌های هوایی و دریایی آمریکا در منطقه و ساقط کردن یک فروند پهپاد MQ۹ در آسمان شهرستان جم، با توجه به تداوم شرارت‌های دشمن، در تکمیل عملیات مقابله به مثل، قوای اسلام و رزمندگان شجاع هوافضای سپاه توسط موشک‌های سوخت جامد دوربرد خود چهار هدف مهم از جمله آشیانه‌های جنگنده‌های ۴۳۵ در پایگاه هوایی و مرکز فرمانده کنترل ارتش کودک‌کش آمریکا در الازرق اردن را مورد هدف قرار داده و منهدم کردند.»

فرار جنگنده‌ها

روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اطلاعیه‌ای از متواری شدن جنگنده اف ۱۶ در اثر آتش پدافند هوایی سپاه خبر داد.

۱۸ هدف زیر ضرب

روابط عمومی سپاه در اطلاعیه‌ای در ۲۱ خردادماه اعلام کرد، طی دو موج عملیاتی ۱۸ هدف مهم متعلق به ارتش شرور آمریکا در پایگاه‌های هوایی علی‌السالم و احمدالجابر و همچنین پایگاه‌های هوایی شیخ عیسی را مورد اصابت قرار داده و منهدم کردند.

انهدام جنگنده‌ها

روابط عمومی سپاه همچنین در ۲۱ خرداد ماه در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: ۱۲ فروند موشک بالستیک محل استقرار جنگنده‌های اف ۱۶، اف ۱۵ و اف ۳۵ آمریکایی و همچنین تأسیسات مهم ارتش تروریستی آمریکا واقع در پایگاه هوایی و مرکز کنترل الازرق را هدف قرار داده و آن تأسیسات و مقدار زیادی از جنگنده‌ها را منهدم کردند.

روابط عمومی سپاه در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «به تناسب با سناریوهای دشمن تدارک دیده‌اند. در این باره روابط عمومی سپاه اعلام کرد: این عملیات در پاسخ به تجاوز موشکی رژیم کودک‌کش صهیونی به چند سایت راداری در سه نقطه کشور انجام شد.

همچنین سپاه در اطلاعیه‌ای اعلام کرد، در پاسخ به تجاوز دشمن آمریکایی—صهیونی به یکی از صنایع پتروشیمی، صنایع مشابه در حیفارا مورد حمله موشکی قرار دادند. حساب کاربری سازمان اطلاعات سپاه در فضای مجازی تأکید کرد، اطلاعات میدانی از ضربات شدید و سریع نظامی، امنیتی و سایبری دیدش به سرزمین‌های اشغالی، نشان‌دهنده موفقیت ۱۰۰ از ۱۰۰ است.

تروویست‌ها در سراوان گیر افتادند

در ادامه رزمایش عملیاتی شهدای امنیت ۳، با رصد اطلاعاتی دقیق، طی یک اقدام مشترک، رزمندگان قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه و سربازان گمنام امام زمان (عج) در اداره کل اطلاعات سیستان و بلوچستان، یک تیم تروویستی را که قصد ورود به داخل کشور داشت، در منطقه برنجیان شهرستان سراوان شناسایی کردند و تعداد چهار نفر از اعضای این تیم تروویستی را به هلاکت رساندند.

زبانه شعله‌ها در رامت دیوید

سپاه پاسداران از هدف قرار گرفتن پایگاه هوایی رامت دیوید، مبدأ تجاوزات به ضاحیه بیروت، به وسیله موشک‌های بالستیک نیروی هوافضای سپاه خبر داد. روابط عمومی سپاه در این باره نوشت: در پاسخ به جنایت گسترده رژیم غاصب صهیونی در جنوب لبنان و کشتار و آواره کردن گسترده مردم مظلوم مناطق صور و نبطیه و سایر نقاط از جمله ضاحیه بیروت پایگاه هوایی رامت دیوید، مبدأ این تجاوزها هدف موشک‌های بالستیک نیروی هوافضای سپاه قرار گرفت.

نصر ایرانی

روابط عمومی سپاه در اطلاعیه‌ای با اعلام آغاز عملیات نصر علیه مراکز مهم پایگاه‌های هوایی راهبردی نواتیم و تل‌نوف تأکید کرد، کلیه یگان‌های رزمی و عملیاتی سپاه پاسداران برای انجام عملیات عبرت‌آموز گسترده در تمام جبهه‌ها در آمادگی کامل بوده و برنامه‌های اقدام



در این باره روابط عمومی سپاه اعلام کرد: این عملیات در پاسخ به تجاوز موشکی رژیم کودک‌کش صهیونی به چند سایت راداری در سه نقطه کشور انجام شد.

همچنین سپاه در اطلاعیه‌ای اعلام کرد، در پاسخ به تجاوز دشمن آمریکایی—صهیونی به یکی از صنایع پتروشیمی، صنایع مشابه در حیفارا مورد حمله موشکی قرار دادند. حساب کاربری سازمان اطلاعات سپاه در فضای مجازی تأکید کرد، اطلاعات میدانی از ضربات شدید و سریع نظامی، امنیتی و سایبری دیدش به سرزمین‌های اشغالی، نشان‌دهنده موفقیت ۱۰۰ از ۱۰۰ است.

آتش در ناوگان پنجم

در ۲۰ خرداد رژیم جنگ‌افروز آمریکا در اوایل بامداد امروز با بهانه‌های واهی چند نقطه در جاسک، سیریک و قشم را هدف حمله قرار داد که به یک دکل مخابراتی در سیریک خسارتی وارد آمد و دو مخزن آب بخش بمانی این شهرستان منهدم شد.

در پاسخ به این حرکت شرارت‌آمیز دشمن، رزمندگان نیروی دریایی سپاه ساعت ۲:۳۰ دقیقه بامداد ناوگان پنجم دریایی بحرین و پایگاه علی‌السالم کویت را مورد حمله پهنای قرار دادند.

سرنگونی MQ۹

روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اطلاعیه‌ای از رهگیری و انهدام یک فروند پهپاد MQ۹ در آسمان شهرستان جم استان بوشهر خبر داد. در این اطلاعیه آمده است: «در جریان درگیری‌های هوایی جاری در تنگه هرمز یک فروند پهپاد MQ۹ که از آسمان شمال خلیج

غرش پدافندها، پاسخ موشک‌ها

فرماندهای با لبخند همیشگی

حسن نوروزی

روزنامه نگار



در نخستین سالگرد شهادت «سپهبد حسین سلامی» در مصالای حرم حضرت عبدالعظیم حسنی (ع)، جمعی از فرماندهان، مسئولان و چهره‌های سیاسی و فرهنگی از زوایای کمتر شنیده شده درباره زندگی و فرماندهی او سخن گفتند؛ روایت‌هایی که از میدان نبرد تا عرصه اندیشه امتداد پیدا می‌کند.

این گفت‌وگوها بازخوانی کارنامه فرماندهای است که به گفته هم‌راهانش، میان قرآن و میدان و میان ایمان و مدیریت، پیوندی عملی و ملموس برقرار کرده بود. هر روایت، قطعه‌ای از تصویری بزرگ‌تر است؛ تصویری از فرماندهای که در معادلات منطقه‌ای و در قلب نیروهای حضور مؤثر، الهام‌بخش و ماندگار داشت و اکنون در قلاب این مصاحبه‌ها دوباره پیش چشم مخاطب زنده می‌شود.

♦ سرمایه اقتدار ایران

«حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عبدالله حاجی صادقی» نماینده ولی‌فقیه در سپاه؛ شهیدایی مانند شهید سلامی در حالی به شهادت رسیدند که سال‌ها تجربه مبارزه، فرماندهی، مدیریت و مجاهدت را پشت سر گذاشته بودند و خون آنان در امتداد همان مسیر شهدای بزرگ اسلام است. شهید سلامی و فرماندهان شهید نیروهای مسلح، سرمایه‌هایی بودند که در سال‌های مختلف برای تقویت اقتدار کشور تلاش کردند و ثمره آن امروز در توان دفاعی، قدرت بازدارندگی و ایستادگی ملت ایران دیده می‌شود. این شهدا با مجاهدت خود نسل جدیدی را تربیت کردند؛ نسلی که با وجود تفاوت شرایط امروز با دوران دفاع مقدس، همچنان پای ارزش‌ها ایستاده و آماده دفاع از اسلام و انقلاب است.

♦ فرمانده بی‌دیدل

سردار عابد، فرمانده قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء (ص): شهید سلامی فردی استثنایی و منحصر به فرد بودند و به‌راستی نظیری نداشتند؛ هم از جهت تقوا و هم به‌عنوان فرماندهای شجاع، دلاور و ترس‌ و ویژگی برجسته ایشان، نگاه بلند و افق وسیع فکری‌شان بود؛ نگاهی که معطوف به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و اسلام عزیز در سراسر جهان بود. امروز در فقدان ایشان، خلأ بزرگی را احساس می‌کنیم. ان‌شاءالله با تعهد، همت و تلاشی که رزمندگان اسلام و یاران ایشان در ادامه راه آن بزرگوار به خرج می‌دهند و برای غلبه بر دشمن و به‌ارمان آوردن پیروزی می‌کوشند، این مسیر پرافتخار تداوم یابد. این خود تعهدی بزرگ و روشن برای همه ماست. ان‌شاءالله این مجاهدت‌ها به نابودی دشمنان اسلام و بشریت، به‌ویژه آمریکای جنایتکار و رژیم صهیونیستی کودک‌کش، منتهی شود.

♦ نظامی تراز انقلاب

غلامعلی حدادعادل، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام: شهید سلامی نمونه یک نظامی تراز انقلاب اسلامی بود که معنویت، تربیت دینی و روحیه فرماندهی را به‌صورت توانمند در شخصیت خود جمع کرده بود.

♦ فرزند مکتب انقلاب

سردار حسین معروفی، معاون فرهنگی اجتماعی سپاه شهید سلامی از ثمرات و خروجی‌های انقلاب اسلامی بود. خروجی ولایت، امام و رهبری، تربیت فرماندهان و شهیدانی همچون شهید سلامی است. مبعوث شدن مردم، پیوند امت و امام را شکل داده است؛ پیوندی که دشمن از آن هراس دارد و باید حفظ شود. مردم عزیز ما در این جنگ رمضان در کنار نیروهای مسلح ایستادند و تبعیت محض خود از امام و رهبرشان را نشان دادند.

♦ آیین عمل به قرآن

سردار کریم امیری: سپهبد شهید سلامی به معنای واقعی کلمه یک سرباز تراز اسلام بود. ایشان هم استاد قرآن بود و هم به آموزه‌های قرآن عمل می‌کرد. حافظ قرآن و نهج‌البلاغه بود و خداوند بسیاری از فضایل را در وجود او جمع کرده بود. اخلاق، رفتار، برخورد با دیگران و عمل به آنچه می‌گفت، همه در شخصیت ایشان به زیبایی در کنار هم قرار داشت.

اگر بخواهم در یک جمله ایشان را توصیف کنم، باید بگویم شهید سلامی سربازی از جنس یاران صدر اسلام بود؛ کسی که بسیاری از ویژگی‌های یک مؤمن واقعی که در قرآن کریم آمده، در وجودش متجلی بود. خداوند به ایشان لطف ویژه‌ای کرده بود؛ به‌گونه‌ای که میان گفتار و رفتارش هیچ فاصله‌ای وجود نداشت و آنچه می‌گفت، در عمل نیز به آن پایبند بود.

♦ سرباز ولایت

حجت‌الاسلام علی رضایی، نماینده ولی‌فقیه در سازمان بسیج: حضور پرشور و عاشقانه مردم در مراسم بزرگداشت شهید سلامی نشان‌دهنده جایگاه ویژه این فرمانده شهید در میان ملت ایران و تجلیل از یک سرباز واقعی نظام اسلامی است. شهید سلامی مصداق واقعی یک رزمنده در مسیر حق بود. رزمندگان اسلام همواره بر این باورند که در یک

دست باید قرآن و در دست دیگر سلاح داشته باشند و شهید سلامی نمونه عینی این تفکر و این مسیر بود. عشق و ارادت به اهل‌بیت عصمت و طهارت (ع) از دیگر ویژگی‌های برجسته این فرمانده شهید بود. او با تمام وجود در مسیر اهل‌بیت (ع) حرکت می‌کرد و معتقد بود هر کس در این راه گام بردارد، مشمول نصرت و یاری الهی خواهد شد. این شهید بزرگوار زندگی خود را وقف سربازی برای نائب امام زمان (عج) کرده بود و تبعیت از ولایت را محور حرکت و مجاهدت خود قرار داده بود.

♦ حامی جدی آرمان فلسطین

ناصر ابوشریف، نماینده جنبش جهاد اسلامی فلسطین در تهران: شهید سلامی از جمله افرادی بود که عمیقاً به هویت اسلامی انقلاب اسلامی ایران پایبند بود و اهتمام ویژه‌ای به آرمان فلسطین، مسجدالاقصی، لبنان و مسائل منطقه داشت. ما از نزدیک ایشان را می‌شناختیم. او تنها یک فرمانده عالی‌رتبه نظامی نبود، بلکه در کنار آن، اندیشمندی اسلامی و صاحب‌نظر در حوزه مسائل راهبردی و استراتژیک به شمار می‌رفت.

♦ شهید سلامی به ما آموخت اراده از موشک مهم‌تر است

ریحانه سلامی، دختر سپهبد شهید حسین سلامی: شهید سلامی تنها فرمانده میدان نبود، بلکه فرمانده معنا و حقیقت بود. او صرفاً یک استراتژیست نظامی به شمار نمی‌رفت، بلکه متفکری تمدنی برای انقلاب اسلامی بود. شهید سلامی چهره انسانی انقلاب اسلامی بود؛ شخصیتی چندبعدی که در وجود او مجاهدت، ایمان، دانش، دوراندیشی، هنر، ذوق فرهنگی، اندیشه‌ورزی، شناخت رسانه، خطابه الهام‌بخش، عبادت، مهربانی، مردم‌داری، ولایت‌مداری و نگاه تمدنی به جهان اسلام و شکل‌گیری نظم نوین جهانی در هم آمیخته بود. در سپهر اندیشه این دانشمند مؤمن، معادلات منطقه تنها با تانک، هواپیما و پایگاه‌های نظامی نوشته نمی‌شود. ایشان معتقد بودند قدرت حقیقی در ایمان ملت‌ها نهفته است و باور داشتند هرگاه ملتی از درون بر خیزد، هیچ قدرتی قادر نخواهد بود او را به زانو درآورد. ایشان همواره تأکید می‌کردند که موشک مهم است، اما اراده از موشک مهم‌تر است؛ سلاح اهمیت دارد، اما ایمان از سلاح مهم‌تر است. قدرت نظامی لازم است، اما ملتی که به وعده‌های الهی ایمان دارد، خود بزرگ‌ترین قدرت تاریخ محسوب می‌شود.

♦ معمار سپاه نوین

سردار فرحان‌زاده، معاون هماهنگ‌کننده نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه: شهید سلامی حافظ قرآن کریم و نهج‌البلاغه بود و در عین حال مدیری توانمند، مدبر و آینده‌نگر به شمار می‌رفت. در دوره فرماندهی ایشان، تحولات عمیق و گسترده‌ای در بخش‌های گوناگون سپاه شکل گرفت. در حوزه هوافضا، نیروی دریایی، نیروی زمینی، قرارگاه سازندگی، فناوری‌های نوین، حوزه سایبری، جنگال و بسیاری از عرصه‌های دیگر که برای شکل‌گیری یک سپاه نوین و متناسب با نیازهای روز ضروری بود، اقدامات مهم و ماندگاری انجام شد.

ایشان توانست سپاه را در تراز مورد نیاز انقلاب اسلامی ارتقا دهد و هم‌زمان نقش و نفوذ جمهوری اسلامی را در سطح منطقه گسترش بخشد. همچنین جبهه مقاومت در دوران فرماندهی ایشان، چه از نظر پشتیبانی‌های فکری و نرم‌افزاری و چه در تأمین دیگر نیازهای خود، از حمایت‌های مؤثر برخوردار شد و توانست قدرت و انسجام بیشتری پیدا کند.

اما یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیتی ایشان، ولایت‌مداری کم‌نظیرش بود. بسیاری از پیشرفت‌ها و توسعه‌هایی که در این سال‌ها در سپاه رقم خورد، در همین روحیه ولایت‌پذیری و ولایت‌محوری ریشه داشت. ایشان هر آنچه رهبر معظم انقلاب مطالبه، توصیه یا ابلاغ می‌کردند، با تمام وجود، بدون تردید، بدون درنگ و با سرعت و جدیت دنبال می‌کرد و به مرحله اجرا می‌رساند.

بی‌تردید همین ولایت‌مداری برجسته، یکی از عوامل اصلی



توسعه و پیشرفت سپاه در حدود شش سال فرماندهی ایشان بود. خداوند تعالی نیز پادشاه بیش از چهل سال مجاهدت و خدمت خالصانه او را با شهادت عطا کرد. یاد و نام این فرمانده بزرگ و مخلص، در تاریخ سپاه و انقلاب اسلامی جاودانه و ماندگار خواهد ماند.

♦ مانند آفتاب بر همه می‌تابد و مانند باران بر همه می‌بارد

سردار زهرایی، فرمانده بسیج سازندگی کشور: البته من کوچک‌تر از آن هستم که بخواهم درباره شخصیت ابرمردی چون سپهبد شهید حاج حسین سلامی سخن بگویم، اما در مدتی که از نزدیک و دور با ایشان کار کردم و به‌عنوان سرباز در خدمت ایشان بودیم، نخستین ویژگی‌ای که در وجودشان می‌دیدیم، نگاه راهبردی و عمیق ایشان در ذیل ولایت بود. ایشان هیچ‌گاه چیزی برای خود نخواست و هیچ انتفاع شخصی برای خود قائل نبود. یک روز که از موضوعی ناراحت بودم، خدمت‌شان رسیدم. به من گفت: «بین، من شصت و اندی سال سن دارم و امروز جز آبرو برای نظام چیزی ندارم که بدهم؛ همین را هم در طبق اخلاص می‌گذارم. اگر آزوری شهادت می‌کنم، برای این است که آبرویم را هم تقدیم کنم و شهید شوم؛ یعنی هر چه دارم برای نظام و برای دین خدا بگذارم.» ایشان تعبیری داشت که همیشه به کار می‌برد؛ می‌گفت: «قلب‌هایی که در راه خدا تسخیر شده‌اند و سرباهی که به خدا عاریه داده شده‌اند.» خود ایشان مصداق همین سخنان بود. به ما می‌گفت: «باران باش، بر همه ببار؛ آفتاب باش، بر همه بتاب.» حقیقتاً خودش نیز همین‌گونه بود؛ مانند آفتاب بر همه می‌تابد و مانند باران بر همه می‌بارد.

♦ فرمانده مردم‌دار

حجت‌الاسلام علی معبودی، مسئول نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه سیدالشهدا (ع): مردمی بودن، تواضع، روحیه انقلابی و مجاهدت خالصانه این خدمتگزار سبب شده تا یاد و پیام آن در میان ملت زنده بماند و حضور گسترده مردم، نشانه قدردانی از ایثارگری‌های شهدای بزرگوار باشد.

♦ اهل میدان و اهل قرآن

حسین شریعتمداری، مدیر مسئول روزنامه کیهان: تبیین ابعاد شخصیتی و راهبردی شهید سلامی بسیار دشوار است، چرا که هر بخش از زندگی او می‌تواند به‌عنوان الگو و سرمشق مدیریتی مطرح شود. بارزترین ویژگی مدیریتی و شخصیتی شهید سلامی، تلفیق شجاعت کم‌نظیر با نگاه کاربردی به مسائل استراتژیک بود؛ نگاهی که تصمیم‌سازی‌های او را در سطوح کلان متمایز می‌کرد. انضباط درونی و بهره‌وری حداکثری از زمان از دیگر شاخصه‌های مهم او بود؛ به‌گونه‌ای که لحظه‌ای از عمرش به غفلت نمی‌گذشت و یا در حال انجام مأموریت بود یا در حال ذکر و ارتباط معنوی. حافظ کل قرآن بودن و پیوند دائمی با کلام وحی، پشتوانه معنوی مدیریت مقتدرانه او بود و حقیقتاً عظمت شخصیتش فراتر از آن است که در قالب کلمات بگنجد.

♦ خون شهدا انگیزه‌ها را دوچندان می‌کند

محمد مخبر، مشاور رهبر معظم انقلاب اسلامی: پویایی نظام اسلامی در تربیت مدیران تراز اول از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب در عرصه‌های نظامی و اجرایی است. فقدان فرماندهان شهید با جایگزینی سریع هم‌زمان و افزایش انگیزه‌های ناشی از خون شهدا، با قدرت بیشتری جبران می‌شود. پاسخ‌های تاکتیکی که دشمن تنها بخشی از انتقام است، اما انتقام نهایی و سخت بر پایه صبر انقلابی در زمان خود محقق خواهد شد. جان‌فشانی فرماندهان ارشد، جمهوری اسلامی ایران را به جایگاه یک ابرقدرت رسانده و این اقتدار بی‌سابقه مسیر پیروزی انقلاب را هموارتر کرده است.

♦ «وعده صادق» تجلی نبوغ مدیریتی شهید سلامی

سردار علی فدوی، مشاور فرمانده کل سپاه: امام خمینی (ره) با تکیه بر آموزه‌های اسلام، مسیر انقلاب اسلامی را پایه‌گذاری کردند و رهبر معظم انقلاب نیز طی ۳۷ سال گذشته این مسیر را با استحکام ادامه دادند. پیام اصلی شهید سلامی و همه شهدا، پایبندی به آرمان‌های انقلاب، ایستادگی در مسیر حق

فرمانده شهید

ویژه اولین سالگرد شهادت سردار حسین سلامی

و حضور مردم در صحنه است؛ پیامی که امروز نیز در میدان دیده می‌شود.

مشاور فرمانده کل سپاه در سخنرانی خود به نبوغ راهبردی و مدیریتی شهید سلامی اشاره کرد و گفت: این نبوغ بی‌نظیر، به‌ویژه در مواجهه با تغییر ماهیت نبرد تجلی یافت؛ در برهه‌ای که جنگ‌های نیابتی دشمن جای خود را به رویارویی مستقیم داد، ایشان توانست به بهترین وجه ممکن از پس این روندهای جدید و متفاوت برآید. در همین راستا، عملیات‌های تاریخی و ساختار شکنانه «وعده صادق» با فرماندهی مقتدرانه ایشان به انجام رسید.

♦ شهادت پایان راه شهید سلامی نبود

علیرضا زاکانی، شهردار تهران: شهید بزرگوار با تکیه بر قرآن و سیره انمه معصوم (ع) و در مسیر ولایت، هیچگاه از پاننشست. شهید سلامی تمام عمر و هستی خود را وقف خدمت به مردم، پیشرفت و آبادانی کشور و صیانت از امنیت و عزت ایرانیان کرده بود. به همین دلیل، دشمنان او را مانعی جدی برابر اهداف شوم خود می‌دیدند. دشمنان تصور می‌کردند با ترور و شهادت این سردار بزرگ، از سر راهشان برداشته خواهد شد، اما دریغ از این درک ناقص که شهادت، خود تجلی‌گر عظمت و بزرگی یک شهید است و مسیر او را استوارتر از پیش تثبیت می‌کند. دشمنان به هیچ یک از اهداف پلید خود نائل نیامدند و امروز شهید سلامی با همان عظمت و بزرگی، همچنان راهبر و دستگیر ادامه‌دهندگان راهش است.

♦ شهید سلامی راهبردهایش را از قرآن می‌گرفت

سردار حسن‌زاده، فرمانده سپاه تهران بزرگ: شهید سلامی شخصیتی ذواب‌عادت داشتند؛ ایشان یکی از تئوریسین‌های برتر نظامی در عصر ما بودند. شهید سلامی شخصیتی قرآنی بود و تمام مبانی را در راهبردها و روش‌ها از قرآن استخراج می‌کرد. او معتقد بود اراده ملت‌ها در میدان است که نتیجه جنگ را تعیین و تکلیف می‌کند. او علم را مبنای قدرت می‌دانست. ما امروز اثر راهبردها و تصمیمات شهید سلامی را در این جنگ‌ها دیدیم. ما به خاطر این دستاوردها مدیون فرماندهان شهید هستیم.

♦ تجربه میدان، راز فرماندهی شهید سلامی بود

الیاس حضرتی، رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت: سردار سپهبد شهید حسین سلامی فرماندهی پولادین، وفادار و برخوردار از دانش و تخصص علمی برجسته بود که شخصیت فرماندهی خود را در دوران دفاع مقدس و در متن نبردهای سخت ۸ ساله شکل داده بود. حضور میدانی او در عملیات‌های سرنوشت‌ساز همچون والفجر ۸، کربلای ۴ و کربلای ۵، شالوده نظام فکری و رزمی وی را استحکام بخشید. این تجارب ارزشمند در سال‌های پس از جنگ، توان فرماندهی کم‌نظیری به او داد تا در برابر پیچیده‌ترین تهدیدها ایستادگی کند. آثار تلاش‌های خستگی‌ناپذیر این مجاهد برجسته در تقویت توان دفاعی و صیانت از آسمان و مرزهای عزت ایران اسلامی همچنان ماندگار و مشهود است.

♦ فرماندهای با لبخند همیشگی

سردار سیاوش مسلمی، مسئول سازمان بسیج دانش‌آموزی: برای چند سالی توفیق داشتمیم از نزدیک با سردار عزیز در ارتباط باشیم و شب و روز در کنار ایشان فعالیت کنم. واقعاً ایشان اسوه‌ای به تمام معنا و پاسداری در تراز انقلاب اسلامی بود. سردار عزیز ویژگی‌های برجسته و خاصی داشت که فروتنی، اخلاص و دل‌بستگی عمیق به قرآن و انقلاب از مهم‌ترین آنها بود. به‌راستی نمونه کامل یک انسان مؤمن با خصلت‌های ممتاز به شمار می‌رفت.

یکی دیگر از ویژگی‌های بارز ایشان، علاقه و توجه ویژه به خانواده‌های شهدا بود. به یاد دارم یک بار با من تماس گرفت و گفت که آخر هفته قصد دارد به دیدار خانواده‌های شهدای مدافع حرم استان مازندران بیاید. روز جمعه تشریف آوردند و ما نیز در خدمت‌شان بودیم. از همان ابتدای حضور، بدون اینکه حتی صبحانه‌ای میل کنند، دیدار با خانواده‌ها را آغاز کردند. با تک‌تک خانواده‌ها گفت‌وگو می‌کردند و پای صحبت‌های‌شان می‌نشستند.

دیگران

همکاری راهبردی

محمد صادق برهانی

کارشناس فناوری

شکل‌گیری همکاری مؤثر در حوزه هوش مصنوعی بین کشورها با موانع جدی رویه‌روست، مهم‌ترین مانع، ناهماهنگی انگیزه‌هاست؛ زیرا دولت‌ها و شرکت‌ها اغلب دستیابی به مزیت اقتصادی یا ژئوپلیتیکی را بر منافع بلندمدت جمعی ترجیح می‌دهند. افزون بر این، هنوز درباره توانایی‌های واقعی هوش مصنوعی، سرعت پیشرفت آن، پیامدهای اقتصادی و امنیتی و حتی میزان خطرهای احتمالی آن اتفاق‌نظر وجود ندارد. رقابت میان قدرت‌ها برای حفظ یا افزایش نفوذ خود نیز انگیزه همکاری را تضعیف می‌کند. از سوی دیگر، نظارت بر توسعه سامانه‌های پیشرفته و اطمینان از پایبندی بازیگران به تعهدات مشترک دشوار است، زیرا بخش بزرگی از فعالیت‌ها در محیط‌های دیجیتال و خارج از دید عمومی انجام می‌شود.

برای مواجهه با این چالش‌ها، سه هدف اصلی برای همکاری راهبردی در حوزه هوش مصنوعی مطرح می‌شود. نخست، ایجاد درک مشترک از قابلیت‌ها، پیامدها و خطرهای این فناوری است. بدون شناختی مشترک از واقعیت‌ها، طراحی سیاست‌های هماهنگ و مؤثر امکان‌پذیر نخواهد بود. هدف دوم، توسعه و استفاده از هوش مصنوعی قابل اعتماد و در عین حال مدیریت گسترش سامانه‌های بسیار قدرتمند است. رقابت فشرده میان کشورها و شرکت‌ها ممکن است توجه به ایمنی و قابلیت اطمینان را کاهش دهد؛ بنابراین همکاری بین‌المللی می‌تواند انگیزه‌های لازم برای رعایت استانداردهای ایمنی را تقویت کند. هدف سوم نیز آمادگی برای کاهش خسارات و واکنش سریع به حوادث مرتبط با هوش مصنوعی است؛ زیرا بسیاری از تهدیدهای احتمالی، از حملات سایبری تا کارزارهای گسترده اطلاعات نادرست، ماهیتی فرامرزی دارند.

برای تحقق این اهداف، چهار کارکرد محوری پیشنهاد می‌شود: پژوهش، استانداردهاگذاری، پایش و راستی‌آزمایی. پژوهش به فهم بهتر فناوری و خطرهای آن کمک می‌کند؛ استانداردهاگذاری چارچوبی مشترک برای ارزیابی، ایمنی و مسئولیت‌پذیری فراهم می‌آورد؛ پایش امکان رصد تحولات، بازیگران و زیرساخت‌های کلیدی را ایجاد می‌کند؛ و راستی‌آزمایی اعتماد میان طرف‌ها را افزایش می‌دهد و اجرای تعهدات را قابل سنجش می‌کند. بررسی تجربه سازمان‌های بین‌المللی مختلف نشان می‌دهد، هیچ الگوی واحدی برای حکمرانی هوش مصنوعی وجود ندارد، اما ترکیبی انعطاف‌پذیر از این چهار کارکرد می‌تواند پایه‌ای برای همکاری جهانی فراهم کند؛ همکاری‌ای که همگام با تحول فناوری تکامل یابد و در عین حفظ نوآوری، امنیت و منافع عمومی را نیز تضمین کند.

نوید کمالی

دبیر گروه راهبرد

«تصمیم‌گیری» قلب تپنده سیاست خارجی هر دولت و نظام سیاسی است و کیفیت آن، مرز میان بقا و فروپاشی، میان فرصت‌سازی و انفعال را رقم می‌زند. در دهه‌های اخیر، نظریه‌های گوناگونی از رئالیسم و سازه‌نگاری تا رویکردهای روان‌شناختی کوشیده‌اند توضیح دهند که دولت‌ها بر چه مبنایی انتخاب می‌کنند. در این میسان، «جان مرشایمر» نظریه‌پرداز سرشناس رئالیسم نهاجمی، در واپسین اثر نظری خود همراه با «سباستین روزاتو» مفهوم «عقلانیت استراتژیک» را پیش نهاده و کوشیده است تعریفی تازه از **عقلانیت** در عرصه بین‌الملل عرضه کند؛ تعریفی که از محاسبه صرف هزینه-فایده فراتر می‌رود و بر دو ستون «اتکا به نظریه‌های معتبر» و «فرآیند مشورتی» استوار است. اهمیت بازخوانی این نظریه برای ما و مسئولان کشورمان از آن روست که محیط راهبردی پیرامون ما سرشار از عدم قطعیت، تهدیدهای چندلایه و بازیگرانی با محاسبات متفاوت است؛ محیطی که در آن «بدفهمی» رفتار دیگران می‌تواند به خطاهای پرهزینه بینجامد. از منظر نگارنده، پرسش محوری نخبگان در مواجهه با نظریه مرشایمر این است که تا چه اندازه این نظریه نوآورانه و مستقل است، و مهم‌تر از آن، چه درس‌گفتارهای کاربردی‌ای برای نخبگان سیاسی و تصمیم‌سازان کشورمان آنهم در عصر رهبری جدید در بر دارد. فرضیه نگارنده این است که این نظریه، با وجود شباهت‌های انکارناپذیر با سنت‌های نظری پیشین، در ساحت عملی ابزاری ارزشمند برای بازآرایی منافع ملی و تقویت فرآیندهای تصمیم‌سازی به‌شمار می‌آید.

عقلانیت زیر سایه عدم قطعیت

سنگ‌بنای نظریه مرشایمر و روزاتو، تصویری واقع‌بینانه از محیط بین‌المللی است: جهانی که در آن «عدم قطعیت» نه یک عارضه گذرا، بلکه ویژگی ذاتی و برجسته سیاست جهانی است. به باور آنان، سیاستمداران به‌ویژه هنگام تدوین راهبردهای بلندمدت یا مواجهه با بحران‌ها، با کمبود شدید اطلاعات معتبر رویه‌رو هستند؛ آنان نه از توانمندی‌ها و نیت واقعی رقیبان آگاهی کامل دارند و نه از پیامدهای قطعی راهبردهای خود مطمئن هستند. در چنین فضایی، جهان نه «معین و مطمئن»، بلکه «نامعین و ریسک‌محور» است.

از همین‌جا منطقی اصلی نظریه شکل می‌گیرد: اگر دانش کامل در دسترس نیست، بهترین ابزار برای فهم محیط و تصمیم‌گیری درست، تکیه بر «تفکر نظری» است. مرشایمر و روزاتو نظریه‌ها را توصیف‌های ساده‌شده‌ای از واقعیت می‌دانند که با برجسته‌سازی متغیرهای کلیدی، به تصمیم‌گیران کمک می‌کنند تا روابط علی و پیامدهای محتمل را پیش‌بینی کنند. به این ترتیب، عقلانیت در این نگاه با «توانایی پیش‌بینی» و «انسجام منطقی» گره می‌خورد، نه صرفاً با بیشینه‌سازی مطلوبیت اقتصادی؛ و این همان نقطه‌ای است که نظریه را از خوانش‌های متعارف انتخاب عقلانی متمایز می‌کند.

دو ستون نظریه

بر پایه این چارچوب، یک دولت زمانی «عقلانی» است که سیاست‌هایش هم‌زمان دو شرط را برآورده کند: نخست آنکه بر «نظریه‌ای معتبر» استوار باشد و دوم آنکه از دل یک «فرآیند مشورتی» بیرون آمده باشد. مرشایمر برای نظریه معتبر سه مشخصه برمی‌شمارد: ابتدا، انطباق آن بر فرضیات واقع‌بینانه، بر خورداری از منطق علی منسجم، و پشتیبانی شواهد تجربی. در سطح فردی، سیاست‌گذار عقلانی کسی است که نظام فکری‌اش را بر چنین نظریه‌هایی بنا می‌کند و در مقابل، تصمیم‌گیر غیرعقلانی‌سی بدون نظریه عمل می‌کند یا به نظریه‌های نامعتبر می‌آویزد.

اما عقلانیت در سطح دولت چیزی فراتر از جمع جبری عقلانیت‌های فردی است. مرشایمر مشورت را فرآیندی دومی‌رحله‌ای می‌داند که نخست شامل بحث و تبادل آزاد میان تصمیم‌گیرندگان و سپس تعیین خط‌مشی نهایی از جانب یک تصمیم‌گیرنده نهایی است. به تعبیر دقیق‌تر، در دولت‌های عقلانی، دیدگاه‌های مختلف بدون محدودیت و با شدت و دقت سنجیده می‌شوند تا در نهایت سیاستی مبتنی بر نظریه‌ای معتبر شکل بگیرد. نقطه مقابل آن، دولت‌هایی هستند که در آنها ارباب، فشار، پنهان‌کاری اطلاعات یا سرکوب نظر مخالف، مجال بحث آزاد را می‌بندد و سیاست خارجی را از مسیر عقلانیت دور می‌کند.

نوآوری یا بازآرایی؟

با عنایت به آنچه بیان شد، پرسش اساسی این است که آیا این چارچوب به‌راستی نو و بدیع است یا تنها با نوعی بازآرایی مفاهیم گذشته مواجهیم؟ شواهد نظری نشان می‌دهد، عناصر اصلی «عقلانیت استراتژیک» مرشایمر را می‌توان به‌سادگی از درون رئالیسم نئوکلاسیک استخراج کرد. برای نمونه، «نیکولاس کیچن» با طرح «پارادایم سیاست» به‌مثابه یک «متغیر میانجی» که فشارهای نظام‌مند بین‌المللی را ترجمه می‌کند، عملاً همان دو

خوانش نظریه «عقلانیت استراتژیک» جان مرشایمر در کتاب «دولت‌ها چگونه می‌اندیشند؟»

عقلانیت استراتژیک

رکن مشورتی‌بودن و اتکا به نظریه‌های معتبر را صورت‌بندی کرده است؛ چراکه پارادایم‌ها مجموعه‌ای از مفروضات و الگوهای فکری نهادینه‌شده‌اند که از مجرای آموزش اجتماعی و اجماع نخبگانی شکل می‌گیرند. مفهوم «فرهنگ استراتژیک» در سنت سازه‌نگاری نیز قرباتی چشمگیر با ایده مرشایمر دارد. اندیشمندانی چون «کالین گری» و «الستر جانسون»، فرهنگ استراتژیک را زمینه‌ای می‌دانند که تصمیمات در بستر آن اتخاذ می‌شوند؛ الگوهای رفتاری‌ای که تصمیم‌گیران در اثر تعامل، آموزش و بحث به دست می‌آورند، هم محصول فرآیندی مشورتی‌اند و هم در نگاه خود سیاست‌مداران، مبتنی بر گزاره‌هایی معتبر. از این‌رو، تمایز بنیادینی میان «عقلانیت استراتژیک» و «فرهنگ استراتژیک» دشوار می‌نماید، و این پرسش بی‌ساخت می‌ماند که مرشایمر چگونه می‌تواند بدون درغلتیدن به مغالطه، مرز روشنی میان این دو ترسیم کند.

آیا مشورت، عقلانیت را تضمین می‌کند؟

جدی‌ترین ضعف نظریه از منظر روان‌شناسی سیاسی آشکار می‌شود. تقلیل عقلانیت به اتکای صرف بر نظریه‌های معتبر، بدون توجه به محدودیت‌های شناختی، احساسات، ارزش‌ها و نظام ادراکی تصمیم‌گیران، می‌تواند به خطاهای فاحش در تبیین سیاست‌گذاری بینجامد. مهم‌تر آنکه فرض همسانی عقلانیت فردی و جمعی محل تردید است؛ چنانکه قضیه مشهور «آرو» در نظریه انتخاب اجتماعی نشان می‌دهد، تجمیع ترجیحات افراد لزوماً عقلانیت را در سطح گروه باز تولید نمی‌کند. افزون بر این، فرآیند مشورتی به‌خودی‌خود ضامن تصمیم درست نیست. تصمیم‌گیری جمعی، به‌ویژه در مسائل امنیتی و راهبردی، آسیب‌هایی چون زمان‌بری، نفوذ افراد پشت‌پرده، و شکل‌گیری حس کاذب شکست‌ناپذیری گروهی را در پی دارد. حتی به‌تعبیر خود نظریه، آنجا که اختلاف‌نظرها چنان بالا می‌گیرد که سرانجام یک تصمیم‌گیرنده نهایی از طریق داوری سیاست را برمی‌گزیند، دیگر نمی‌توان فرآیند را به‌معنای دقیق «مشورتی» و در نتیجه «عقلانی» خواند. این تنش درونی نشان می‌دهد نظریه مرشایمر، رویکردی نسبتاً ناقص و گاه متناقض است که بخش زیادی از آن بیشتر در نظریه‌های دیگر بیان شده بود.

جمع‌بندی و توصیه‌های راهبردی

باوجود این نقدها، ارزش عملی نظریه را نباید نادیده گرفت. بزرگ‌ترین آورده «عقلانیت استراتژیک»، کمک به فهم منطقی نهفته در راهبردهای متفاوت دولت‌ها و پرهیز از برجسب‌زنی شتاب‌زده است.

خارج شده بود. ترامپ این درس را عمیقاً فهمید. وقتی ایران برنامه هسته‌ای‌اش را بعد از حملات خرداد ماه ۱۴۰۴ تسریع کرد، ترامپ می‌دانست که پنجره در حال بسته شدن است. کیم جونگ اون رهبر منزوی و محدودی است، اما ایران یک قدرت انقلابی با چشم‌انداز گسترده، شبکه نیابتی گسترده در چهار کشور، و سابقه کشتن آمریکایی‌ها است. ایران هسته‌ای، یعنی خاورمیانه‌ای متحول که در آن تهران پشت سپر هسته‌ای با مصونیت کامل عمل کند. بعد سوم محاسبه ترامپ، رقابت با چین بود. سال‌ها بود که ایران خط حیاتی انرژی چین را تأمین می‌کرد. یکن نفت ارزان ایرانی می‌خرد و تهران برای تأمین مالی برنامه هسته‌ای و شبکه نیابتی‌اش ارز به دست می‌آورد. این رابطه همزیست برای ترامپ که چین را رقیب اصلی آمریکا می‌دید، تحمل‌ناپذیر بود. تضعیف ایران، یعنی بریدن منبع انرژی ارزان چین و تحمیل هزینه واقعی به اقتصاد پکن. ماجرا فقط نفت نبود. ایران به ستون اصلی محوری غیررسمی میان تهران، پکن، مسکو و پیونگیانگ

ایسن نظریه یادآور می‌شود رفتاری که از نگاه ما غیرعقلانی می‌نماید، ممکن است از منظر بازیگر انجام‌دهنده، بر پایه زمینه‌های راهبردی متفاوت، کاملاً عقلانی باشد. درک این نکته برای کشورمان که در محیط‌های امنیتی قفقاز، آسیای میانه، خاورمیانه و خلیج فارس با تهدیدهای متعدد رویه‌روست، اهمیتی فوق‌العاده دارد و به پاسخ‌گویی دقیق‌تر و سیاست‌گذاری کارآمدتر یاری می‌رساند. هدف این نوشتار، شرح و نقد هم‌زمان نظریه «عقلانیت استراتژیک» مرشایمر و روزاتو بود و نشان داده شد که این نظریه، با وجود انسجام و کاربردی‌بودن، نه چارچوبی کاملاً بدیع، بلکه بازآرایی هوشمندانه مفاهیمی است که بیشتر در رئالیسم نئوکلاسیک (به‌ویژه مفهوم پارادایم سیاست) و سازه‌نگاری (به‌ویژه فرهنگ استراتژیک) صورت‌بندی شده بودند؛ با این حال، در ساحت عمل فهم این نظریه آورده مهمی برای مطالعات سیاست خارجی و امنیتی کشورمان دارد.

پاسخ تحلیلی به پرسش اصلی این است که ارزش این رویکرد نه در نوآوری نظری، بلکه در کارکرد روش‌شناختی آن برای فهم دقیق‌تر رفتار بازیگران نهفته است. بر این مبنا، نخستین توصیه راهبردی آن است که نظام شناختی و ادراکی تصمیم‌گیران کشورمان از قیدوبندهای محدودکننده فاصله بگیرد و منافع ملی را در چارچوبی موسع و کلان همچون اقتصاد سیاسی بین‌الملل و تعریف فراگیر از امنیت بازتعریف کند. توصیه دوم به ماهیت سیال ائتلاف‌ها بازمی‌گردد و آن، اینکه در محیطی سرشار از عدم قطعیت، دوست و دشمن دائمی وجود ندارد و این منافع است که جهت حرکت دولت‌ها را تعیین می‌کند؛ از این‌رو دشمنی ما با یک بازیگر نباید مانع روابط سودآور با دیگران شود و در دوستی‌ها نیز پرهیز از تعصب نابجا ضروری است. سومین توصیه، بهره‌گیری حداکثری از نخبگان دانشگاهی و پژوهشگران بر‌تر در فرآیندهای مشورتی و سطوح کلان تصمیم‌سازی است؛ حضوری که هم از تقلیل سیاست بین‌الملل به تصورات دور از واقع جلوه‌گیری می‌کند و هم بازدهی تصمیمات را افزایش می‌دهد.

در چشم‌انداز پیش روی حیات سیاسی کشور تحت رهبری کشور، توان کشورمان برای صیانت از بقا و پیشبرد منافع ملی، در گرو ظرفیت نهادهای تصمیم‌گیر برای «خواندن ذهنیت» سایر بازیگران و طراحی کنشگرانه زمین بازی است. اگر افعال دیگران را با درک زمینه راهبردی آنان تحلیل کنیم، هم پاسخ‌گویی دقیق‌تری خواهیم داشت و هم ابتکار عمل را در دست خواهیم گرفت. بدون شک این امر، نه یک انتخاب، بلکه ضرورتی برای زیست در اوضاع پر مخاطره کنونی منطقه و جهان است!

ترامپ تابع نتانیاهو است؟

تبدیل شده بود که همگی به فرسایش برتری آمریکا علاقه‌مند بودند. حمله به ایران، یعنی شکستن این معماری در یکی از گره‌های کلیدی‌اش. ایران ضعیف‌شده نمی‌تواند زرادخانه روسیه، تأمین‌کننده سوخت ارزان چین، یا حامی مالی نیروهای نیابتی از لبنان تأمین باشد. دلیل چهارم کمتر مربوط به ایران و بیشتر مربوط به نمایش قدرت آمریکا به جهان بود. ترامپ اعتقاد داشت، باید به دنیا یادآوری شود قدرت آمریکایی واقعاً چگونه است. حمله همه جانبه به ایران اعلامیه‌ای بود که عصر تردید آمریکایی تمام شده است.

او کینه شخصی، درس کره شمالی، رقابت با چین، تمایل به شکستن محور ایران-روسیه-چین-کره شمالی و اشتیاق برای نمایش قدرتی که فرضیات جهان درباره اراده آمریکا را بازنویسی کند، همه را به کار گرفت. روایت «نتانیاهو را و متقاعد کرد» درست نیست. نتانیاهو به دری فشار آورد که از قبل کاملاً باز بود.

ترامپ هرگز تحقیر آمریکا از سوی جمهوری اسلامی را فراموش نکرد. او از دهه ۱۹۸۰ معتقد بود که ایران از ضعف آمریکا سوءاستفاده کرده و هیچ بهای واقعی نپرداخته است. این نگرش در دوره اول ریاست جمهوری‌اش به سیاست تبدیل شد: خروج از برجام، اعمال فشار حداکثری، و ترور ژنرال سلیمانی در دی‌ماه ۱۳۹۸. اما در دوره دوم، بعد شخصی عمیق‌تر شد. عوامل ایرانی به توطئه برای ترور ترامپ متهم شدند و او این را حمله مستقیم به خودش تلقی کرد. در مصاحبه با ABC گفت: «من او را زدم قبل از اینکه او من را بزند. من او را زدم». این جمله نه زبان استراتژی بلند، بلکه زبان یک مرد است که در حال تسویه‌حساب چهل ساله است. اما فراتر از انگیزه شخصی، تجربه هائوی نقش کلیدی داشت. ترامپ سرمایه سیاسی هنگفتی روی دیپلماسی باکره شمالی گذاشته بود؛ اما مذاکرات ۲۰۱۹ فروپاشید. کیم رفت و ترامپ کاری نتوانست بکند. درس واضح بود: سلاح هسته‌ای مصونیت می‌آفریند. کره شمالی با بمب اتمی‌اش از دسترس فشار آمریکا

پیشخوان

وحشی‌گری در غرب وحشی

روزنامه «نیویورکتایمز» نوشت: «چرخه خشونت و تحریک راست‌گرایان در بریتانیا به طرز هولناکی آشنا و تکراری شده است. همه چیز می‌تواند با یک چاقوکشی وحشتناک شروع شود که ترس و خشم ایجاد می‌کند. زمانی که مهاجم یک مهاجر یا یک فرد رنگین‌پوست باشد، روایتی بیمارگونه و تحریف‌شده در اینترنت منفجر می‌شود. سیاست‌مداران و مفسران راست‌گرا از آن استفاده می‌کنند تا با کمک الگوریتم‌های رسانه‌های اجتماعی که از تضاد و تفرقه تغذیه می‌کنند، خشم را به نفع دستورکار ضد‌مهاجرتی خود برانگیزند. ظرف چند ساعت، خشم آنلاین آنها به جهان واقعی سرایت می‌کند و اعتراضاتی را آغاز می‌نماید که به شورش‌های خشمگین تبدیل می‌شود.»

به نوشته این روزنامه، «بریتانیا تنها نیست. در سراسر اروپا و ایالات متحده، گروه‌های سیاسی راست‌گرای در حال ظهور، ناامیدی و خشم مردم را در پی یک رویداد ترسناک تقویت کرده و آن را به سمت خصومت با مهاجران هدایت می‌کنند. کارشناسانی که پلنفرم‌های آنلاین را مطالعه می‌کنند می‌گویند این پلنفرم‌ها انجمن‌هایی را فراهم می‌کنند تا سیاستمداران راست‌گرای بیشتر بخشی از جریان اصلی شوند.»

نیویورکتایمز افزود: «سال گذشته حدود ۵۰۰ قتل در بریتانیا رخ داد که بسیاری از آنها تکان‌دهنده بودند. اما اگر قربانی سفیدپوست نباشد، یا جنایت با روایتی که مهاجران را اهریمنی نشان می‌دهد همخوانی نداشته باشد، از آن برای برانگیختن اعتراضات خشمگین استفاده نمی‌شود.»

بلاتکلیفی

هفته‌نامه «اکونومیست» با بیان اینکه «تتانیاهو در روزهای اخیر دوبار از دستورات آمریکا سرپیچی کرده»، نوشت: «رئیس‌جمهور آمریکا نمی‌خواهد جنگی که آمریکا و اسرائیل به مدت ۴۰ روز با هم علیه ایران جنگیدند، دوباره از سر گرفته شود. جنگی که منجر به بن‌بستی حل‌نشده در تنگه هرمز و افزایش قیمت جهانی انرژی شد. اما از سرگیری موقت درگیری‌ها، دو ناکامی ترامپ را آشکار کرد: ناتوانی او در کنترل متحدش (اسرائیل) و ناتوانی در ترغیب ایران برای پذیرش آتش‌بس دائمی.»

این هفته‌نامه افزود: «این وضعیت، ترامپ را با یک دوراهی مواجه می‌کند. او اسرائیل را از مذاکرات با ایران که با میانجی‌گری پاکستان و سایر واسطه‌ها در جریان است، کنار گذاشته است. اما کنار گذاشتن شریک جنگی‌اش از این معادله، جواب نداده است. وی پس از آخرین حملات موشکی ایران ادعا کرد که تتانیاهو چاره‌ای جز پذیرش هر توافقی که او با ایران به دست آورد، ندارد.»

بازنویسی معادلات دریایی با ابتکار ایران در تنگه هرمز

معماری ایرانی

تأمین «درست به موقع» جهانی که در چهار دهه گذشته برای بهینه‌سازی کارایی طراحی شده‌اند، ظرفیت ذخیره محدودی برای جذب اختلالات دارند و بحران تنگه هرمز اکنون در شرایط خصمانه آن را نشان می‌دهد. زیرساخت‌های دریایی جهانی که اهمیت استراتژیک عظیمی دارند، می‌توانند با کمترین پاسخگویی تهدید شوند.»

بروکینگز خاطر نشان کرد: «این سه نوع بی‌نظمی، یکدیگر را تقویت می‌کنند. حرکت به سمت فروپاشی نیست، بلکه حرکت به سمت یک محیط دریایی است که پیوسته محل مناقشه، کم‌پیش‌بینی‌تر و در نتیجه، گران‌تر است. نقش آمریکا در تأمین امنیت پایه‌های تجاری و صنعتی این نظم در معرض خطر است، و رقیب اصلی استراتژیک آن در آستانه کسب منافع است. دریاها در حال فروپاشی نیستند. کشتی‌ها حرکت می‌کنند، نفت جریان دارد، داده‌ها منتقل می‌شوند. اما سیستم دریایی که پشتیبان اقتصاد آمریکا و جهان است، دیگر در وضعیت مطلوبی قرار ندارد. آنچه لازم است، یک چارچوب راهبردی است که با بی‌نظمی دریایی به عنوان یک واقعیت مستمر رفتار کند، نه مجموعه‌ای از بحران‌های مجزا که قرار است یکی یکی مدیریت شوند.»

و توانایی صنعتی دریایی در میان بازیگران بزرگ. آمریکا قدرتمندترین نیروی دریایی جهان را دارد، اما سهم آن از تولید کشتی تجاری جهان کمتر از یک درصد است. اروپا دارای کشتیرانی تجاری قوی است، اما عمق دریایی آن کاهش یافته و از سال ۱۹۹۹ نزدیک به یک سوم از ناوکن‌ها و ناوچه‌های اصلی خود را از دست داده است. با این حال، چین بزرگ‌ترین نیروی دریایی جهان از نظر تعداد کشتی را با تسلط بر کشتی‌سازی، زیرساخت‌های بندری، و لجستیک دریایی ترکیب کرده است، کشتی‌های جنگی جدید را در زمان صلح با سرعتی می‌سازد که با خروجی آمریکا پس از پرل هاربر برابری می‌کند، و هم‌زمان به تسلط خود بر تولید کشتی‌های تجاری و جنگی ادامه می‌دهد. هیچ ائتلافی از کشورهای غربی هم‌عقیده نمی‌تواند به طور منسجم جریان‌های دریایی را در شرایطی که قدرت این چنین نابرابر توزیع شده، تأمین کند.»

به اذعان این اتاق فکر، «نوع سوم، بی‌نظمی سیستمی است: آسیب‌پذیری‌هایی که در دل معماری وابستگی متقابل دریایی جای دارد. کابل‌های زیردریایی ۹۵ درصد از داده‌های جهانی را منتقل می‌کنند، اما در بیشتر مسیر خود عمدتاً محافظت نشده‌اند. زنجیره‌های

هرمز در درجه اول نشان‌دهنده یک شکست در تأمین تجهیزات نیروی دریایی نیست، بلکه نشانه یک بی‌نظمی پایدار دریایی است؛ وضعیتی که متمایز از فروپاشی یا هرج‌ومرج کامل است. امروزه، با اینکه سیستم‌های دریایی هنوز در حال فعالیت هستند، اما شرایط امنیتی زیربنایی آنها به طور پیوسته روبه‌فروپاشی است. درک این تمایز اهمیت دارد، زیرا تعیین می‌کند چه نوع پاسخی هم کافی است و هم مطلوب.»

بروکینگز با اشاره به سه نوع بی‌نظمی در هم تنیده که به زعم این اندیشکده، موجب ایجاد این وضعیت شده‌اند، می‌نویسد: «نوع اول، بی‌نظمی قهری (اجباری) است: استفاده عمده از اختلال‌آفرینی برای ایجاد اهرم فشار، بدون اینکه به درگیری آشکار کشیده شود. دریای سرخ به خوبی اقتصاد این کار را نشان داد: نیروهای حوثی با استفاده از پهپادها و موشک‌های ارزان‌قیمت، هزینه تغییر مسیر کشتی‌ها را به بزرگ‌ترین شرکت‌های کشتیرانی جهان تحمیل کردند. بحران تنگه هرمز نیز از همین منطق پیروی می‌کند، اما با عواقب بسیار بزرگ‌تر.»

این اتاق فکر آمریکایی افزود: «نوع دوم، بی‌نظمی ساختاری است: ناهماهنگی میان قدرت دریایی، ظرفیت کشتیرانی تجاری،

زهراتوحیدیان

دبیر گروه بین‌الملل

ابتکار ایران در بستن تنگه هرمز و ناتوانی ائتلاف آمریکایی-صهیونیستی برای بازگشایی آن معادلات قدرت دریایی را برای همیشه تغییر داده است. به حدی که اندیشکده «بروکینگز» در آخرین تحلیل خود نوشت: «از زمانی که ایران در پاسخ به عملیات «طوفان حماسی»، تنگه هرمز را مین‌گذاری کرد و تهدید به دریافت عوارض از کشتی‌ها نمود، نیروهای آمریکایی نتوانسته‌اند این تنگه را که یکی از حیاتی‌ترین تنگه‌های جهان است، به طور کامل بازگشایی کنند. این عملیات، ظرفیت نیروی دریایی آمریکا را در تمام مناطقی که این نیروی تقریباً ۲۸۰ فروندی در آن حضور دارد، تحلیل برده است. این موضوع فقط به مصرف موشک‌های تاماهاوک به اندازه سه سال تولید کنونی ختم نمی‌شود، بلکه شامل تغییر مسیر کشتی‌ها، جابه‌جایی محل مأموریت خانوادگی پرسنل، افزایش زمان دریانوردی خدمه، و فرسودگی کشتی‌ها در مأموریت‌های طولانی می‌شود. آمادگی رزمی در اقیانوس آرام، درست زمانی که ممکن است بیشترین اهمیت راداشته باشد، تضعیف شده است.»

این اتاق فکر آمریکایی افزود: «بحران تنگه

فراسو

قدرت ناکافی

اعتراف فارن افرز به افول آمریکا

کافی نیست. یکی از مهم‌ترین دلایل این تحول، گسترش فناوری‌های ارزان و مؤثر نظامی است. امروزه پهپادهای ارزان‌قیمت، موشک‌های دوربرد و سامانه‌های حمله دقیق می‌توانند شناورها را در فواصل بسیار دور هدف قرار دهند. اقتصاد جنگ نیز تغییر کرده است. جهان ممکن است وارد دوره‌ای شود که در آن به‌جای «دریاهای آزاد»، با «دریاهای دروازه‌دار» مواجه باشیم؛ یعنی مناطقی که عبور از آنها نیازمند توافقی‌های سیاسی، پرداخت هزینه‌های اضافی یا حتی دریافت حفاظت نظامی باشد. در چنین نظامی، شرکت‌های کشتیرانی ناچار خواهند شد ریسک‌های ژئوپلیتیکی را مانند هزینه سوخت و شرایط آب‌وهوایی در محاسبات خود لحاظ کنند.»

«فارن افرز» نوشت: «بسته شدن تنگه هرمز و ناتوانی آمریکا در بازگرداندن جریان عادی کشتیرانی، توجه جهانی را به یک واقعیت مهم جلب کرده است: اقتصاد جهانی تا چه اندازه به عبور آزاد کشتی‌ها از آبراه‌های راهبردی وابسته است و این آزادی تا چه حد شکننده شده است. بحران تنگه هرمز تنها آخرین نشانه از پایان تدریجی دوره‌ای است که در آن دریاهای تقریباً آزاد و بدون مانع برای تجارت جهانی بودند.»

تحولات فناوری و تغییر الگوهای تجارت جهانی موجب شده است توانایی واشنگتن برای کنترل مناطق ساحلی و آبراه‌های حساس کاهش یابد. ایالات متحده دیر هنگام متوجه شده که قدرت نظامی آن دیگر برای حفظ جاه‌طلبی‌های جهانی‌اش

تحلیل

دکترین دونرو

استراتژی جدید ترامپ برای آمریکای لاتین

تارنمای «آرتی» نوشت، دکترین دونرو که شعار آن دستیابی به صلح در آمریکای لاتین از طریق «قدرت و زور» است، در آخرین فرآیندهای انتخاباتی منطقه آمریکای لاتین، جایی که شکاف عمیقی میان جریان‌های محافظه‌کار و رویکردهای مترقی وجود دارد، بازتاب گسترده‌ای داشته است. این دکترین که بر پایه اعمال زور و هم‌سویی مطلق با سیاست‌های ترامپ بنا شده، نه تنها به دنبال احیای نفوذ از دست‌رفته آمریکا در برابر چین است، بلکه با حمایت از نامزدهای راست‌گرای تندرو، تلاش دارد نقشه ژئوپلیتیکی منطقه را به نفع هژمونی واشنگتن بازنویسی کند. در خط مقدم این رقابت‌های انتخاباتی، پرو و کلمبیا قرار دارند.

در هر دو کشور، پس از دور نخست

اشتباه بزرگ

«الکساندر لوکاشنکو» رئیس‌جمهور بلاروس اعلام کرد، از نگاه او امکان پایان یافتن جنگ روسیه و اوکراین و همچنین توقف درگیری میان ایران و رژیم صهیونیستی تا پایان سال جاری میلادی وجود دارد. وی با تأکید بر اینکه جنگ‌های کنونی نتیجه تصمیم‌های سیاسی و انسانی هستند و نه شرایطی اجتناب‌ناپذیر، افزود: «اکنون بیش از هر زمان دیگری فرصت توقف این جنگ‌ها وجود دارد و همه‌چیز به اراده تعداد محدودی از افراد بستگی دارد.» لوکاشنکو با بیان اینکه «آمریکا و اسرائیل با حمله به ایران مرتکب یک اشتباه بزرگ شدند» گفت: «راحل دیگری جز توقف درگیری‌ها وجود ندارد.»



قیام علیه بند ۲۲۴

«برنی سندرز» سناتور آمریکایی، با اشاره به لابی‌گری تتانیاهو برای بند معروف به ۲۲۴ و توسعه پنهان همکاری نظامی و تسلیحاتی آمریکا و رژیم صهیونیستی، گفت: «مردم آمریکا خواهان افزایش کمک نظامی آمریکا به اسرائیل نیستند. ما باید بخش ۲۲۴ را تغییر دهیم.» بند موسوم به ۲۲۴ وزیر دفاع آمریکا را ملزم می‌کند که یک «نماینده اجرایی» برای هماهنگی همکاری نظامی میان آمریکا و رژیم صهیونیستی معرفی کند که شامل تحقیق و توسعه مشترک، تولید مشترک سلاح و پیوند سیستم‌ها و داده‌های نظامی خواهد بود. این بند فعالیت مشترک آمریکا و این رژیم را از هوش مصنوعی گرفته تا پهپادها و عملیات سایبری، گسترش می‌دهد.



بازگشت نازی‌ها

«گوستاوو پترو اورگو» رئیس‌جمهور کلمبیا، در جلسه شورای امنیت با اشاره‌های متعدد به نازیسم، بر ضرورت همدلی تأکید کرد و از همه کشورهای عضو خواست برابر جنگ علیه غیرنظامیان موضع‌گیری کنند؛ زیرا «ما در حال بازگشت به دوران نازی‌ها هستیم.» وی با اشاره به فرود آمدن «موشک‌ها بر سر نوزادان» در غزه اظهار داشت: «بحران‌های جهانی کنونی از جمله تازه‌ترین خشونت‌ها در بلغاست ریشه در «نفرت نژادی» دارند و این نوع خشونت می‌تواند گسترش یابد.» وی سیاست‌ها و ادبیات ضد مهاجرتی ایالات متحده آمریکا را محکوم کرد و گفت: «مهاجران کلمبیایی مورد ضرب و جرح قرار می‌گیرند و به اردوگاه‌های کار اجباری فرستاده می‌شوند.»



صداق

هفته نامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

صاحب امتیاز

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مدیرمسئول:یدالله‌جوانی

سرمدیر:علی حیدری

شورای سیاست‌گذاری:

سایمک‌باقری،سعدالله‌زراعی،

عزیز‌غضنفری، مه‌دی‌سعیدی،فتح‌الله‌پریشان،

علی‌قاسمی،حسین‌عبداللهی‌فر،رضاصارمی‌راد

دبیر‌تحریریه:سیدفخرالدین‌موسوی

مدیرفنی: محمد‌صالح‌نادری

نگارش و ویرایش: محبوه حاجی‌آقایی

صفحه‌آرا:علی‌اکبر‌هدایتی

عکاس: حامد‌گودرزی

ناظر‌چاپ: سعید‌قاسمی

چاپ: مرکز چاپ‌سپاه: ۰۲۱)۳۸۵۲۲۴۴۶

تلفن: ۰۱۱۰ و ۰۱۰۰ ۷۷۴۶۰۱۰۰ (۰۲۱)

basirat.ir

@sobhesadegh_fa

نمبر: ۷۷۴۸۸۴۶

سامانه پیامک: ۰۲۳.۳۰۰۹۹۰

شماره ۱۲۴۱ | دوشنبه ۲۵ خرداد ۱۴۰۵

کتابخانه

ای وطن



ای وطن ای همیشه جاویدان

ای جهان، خاک اطلسی‌هایت

ای کس و کار بی‌کسان غریب

جان‌به‌قربان بی‌کسی‌هایت

ریشه‌داری در اعتقاد و یقین

دشمنان همیشه جان‌به‌لبانند

شب‌برایت نمی‌دهد معنی

مردمانت ستاره‌های شب‌باند

دشت‌خار و خسان نبودی تو

بر تن خاک خسته‌بارانی

سرمینت‌پر از دلیران است

شیر‌بیدار بیشه‌زارانی

گرچه آماج‌صد‌لب‌هستی

گرچه عمری به خاک و خون بودی

تا ابد مثل کوه، محکم‌باش

همچنانی که تاکنون بودی

ای وطن ای تو خانه‌پداری

جز بقای تو هیچ، در سر نیست

در جهان، خاک‌کشوری مثل

خاک‌پاکت شهید‌پرور نیست

وحید اشجع

مظلوم مقتدر

ای سرو! سایه‌سار تو را هیچ‌کس نداشت

آرامش و وقار تو را هیچ‌کس نداشت

در قحطی یقین و شبیخون خستگی

ایمان استوار تو را هیچ‌کس نداشت

هر سوی این دیار گهر خیز پاک را

گشتم ولی عیار تو را هیچ‌کس نداشت

در عزم، هم‌رکاب تو عالم به خود ندید

در رزم، پشتکار تو را هیچ‌کس نداشت

هم‌بی‌شمار دشمن بدخواه داشتی

هم‌خیل دوستدار تو را هیچ‌کس نداشت

عمری در اوج بودی و مظلوم‌زیستی

هر چند، اقتدار تو را هیچ‌کس نداشت

مانند آبشار روان از ستیغ کوه

چشمان اشک‌بار تو را هیچ‌کس نداشت

جز کشته‌گان تشنه‌لب‌دشت کربلا

اصحاب جان‌نثار تو را هیچ‌کس نداشت

در انتخاب راه سعادت به مرگ سرخ

عزم حسین‌وار تو را هیچ‌کس نداشت

افشین‌علا

صبحانه

درس‌های زندگی

همه وقایع زندگی درس‌هایی است که خدا می‌خواهد بیاموزیم. هر درس معجزه‌ای است که خداوند، به

جای‌افکاری که خودساخته‌ایم و ما را می‌رنجانند، به ما اعطا می‌کند و هر گاه خداوند نعمتی را بر بنده خود

ارزانی داشته و او قدر آن نعمت را با قلب درک کرده و آشکار خدای را شکرگزار باشد، هنوز از سپاس

فارغ نشده است که دستور افزونی نعمت‌ها(از جانب حق) برای او صادر می‌شود.

روایت

سراغ گروه‌های بله و ایثار. اعضای گروه نغمه

در بله صدای جنگنده شنیده‌اند. اعضای

گروه کافه در ایثار صدای شلیک موشک. ذوق

می‌کنم: «جانمی‌جان، داریم می‌زنیم. داریم

می‌زنیم.» زهرا و زینب هم می‌روند سراغ

کانال‌ها. خبری نیست. فاطمه می‌گوید بوی

عطر سرهنگ ذوالفقاری به مشام می‌رسد.

می‌خندم. آقدر فونت را درشت کرده که

هر نایبایی می‌تواند نوشته‌های گوشی‌اش را

بخواند.

–عینک بزن دختر این چه وضع زندگی است؟

کانال‌ها خبردار شدند. برمی‌گردم سمت

زهرا: «حیفاً را زدیم.» زهرا می‌پرسد:

«کجایش را؟» می‌گویم: «به من نگفتند کجا

را می‌زنند...»

حاج آقا فرحزاد بالای سن سخنرانی می‌کند.

صدا بلند می‌کنم: «حاج آقا الله‌اکبر...»

صدایم از حلقه خودمان رد نمی‌شود. به نظرم

امشب حاج آقا طولانی‌ترین منبر را در قرن

حاضر خواهد داشت. دلم می‌خواهد فریاد

بزنم و همه را خبر کنم. دقایقی می‌گذرد و

خبرها بین‌مان رد و بدل می‌شود. سر می‌کشم

تا جایگاه را درست ببینم. چند نفر پشت حاج

آقا ایستاده‌اند. خادم‌های حرمند. کی آمدند؟

ولوله‌ای در جمع ما افتاده. بالاخره منبر حاج

آقا تمام می‌شود.» نمی‌دانم آقای سیرلانی

است یا آقای طاهری، خبر را می‌خواند.

مارش عملیات هم پخش می‌شود. میدان

یک‌صدا جیغ و فریاد و الله‌اکبر می‌شود. همه

ایستاده‌ایم. بین فریادها با گوشه چشمم شیء

نورانی می‌بینم. برمی‌گردم. موشک وسط

آسمان دارد می‌رود. با انگشت نشانم می‌دهم

و فریاد می‌زنم: «موشک، موشک!» خدای

من! چقدر زیباست. چقدر دوستش دارم.

همه میدان رو به موشک ایستاده‌اند و الله‌اکبر

می‌گویند. مشت‌ها گره کرده. مسابقه هر

کی بلندتر بگوید برنده است راه انداخته‌ایم.

الله‌اکبر! الله‌اکبر! الله‌اکبر! خدایا تو بزن. خدایا

نابودشون کن. یادم رفته نای نشستن نداشتیم.

یادم رفته آرزوی خواب داشتیم. وقت رفتن آدم

دیگری شده‌ام. برق موشک در چشم‌ها نشسته

و لب‌ها می‌خندد.

خدایا مردم ما را زیاد شاد کن. این مردم غم

زیاد دارند.

سپه‌نشین

په کاری کنین

زهر اکشاورز

نویسنده

به مرد مسنی که رویه‌رویم لبه میدان نشسته

بود یکی از برگه‌ها را داد و بعد نگاهی به من

انداخت و رد شد. نفهمیدم معیارش چی

بود که من نداشتیم. روی دست بقیه سرک

کشیدم تا ببینم چه چیزی را از دست داده‌ام.

شماره کارت بود. فکر کردم لابد برای کمک

به موبک است. امشب برعکس شب‌های

دیگر علی‌همین وسط مسط‌ها بازی می‌کرد

و می‌توانستم صدای سخنران میدان را بشنوم:

«۳۷۰۰۰ خانواده لبنانی نیاز جدی به کمک

دارند در حالی که خانواده‌های رزمندگان مقاومت

هستن و چندین شهید در خانواده‌دارن. صدای

«فریاد وا محمدا/ لبنان شده کرب‌ویلا...» که

بلند شد انگار تازه انبوه پرچم‌های حزب‌الله

و پلاکاردهایی را که از مسئولان می‌خواست

به داد لبنان برسند، دیدم. دوباره نگاهی به

برگه‌ها انداختم. کمک برای مردم لبنان بود.

شنیده بودم باز هم اسرائیل آتش‌بس را نقض

کرده و ضاحیه را مورد اصابت قرار داده.

سخنران داشت در مورد آن افطار معروف

امیر المؤمنین(ع) و اهل بیت‌شان(ع) که سه

شب با اینکه نیاز داشتند به فقرابخشیدند

صادقانه

شیعیان صبور

امام صادق(ع) فرمودند: «ما خاندان، صبور و شکیباییم و شیعیان ما از ما هم شکیباترند. گفتم:

جانم به فدایت، چگونه شیعیان شما از شما شکیباترند؟ فرمود: چون صبر ما بر چیزی است که

می‌دانیم، اما شیعیان ماصبر و شکیبایی می‌ورزند بر چیزی که نمی‌دانند.»

(بحارالانوار، ج ۷۱، ح ۸۰)

غیر رسمی

اتاق مطالعه!

پدرم می‌گفت «علی‌آقا» زیادی به خودش

فشار می‌آورد...

سال ۱۳۴۳ از قم به مشهد برگشتم. مدرسه

نمی‌رفتم و جایی برای مطالعه نداشتم.

منزل پدرم هم خیلی جا کم بود؛ فقط یک

اتاق داشتیم که در زمستان، خالی می‌ماند.

روبه‌روی آشپزخانه و زیر اتاق خانم، چون

خیلی سرد بود و رطوبت داشت و گرم

نمی‌شد و وسایل گرمازا هم مثل امروز

نبود. من اینجا را برای اتاق مطالعه آماده

کردم. فرش نداشتم؛ یک گلیم و یک

تشک در گوشه آن انداختم و یک میز

کوچک و یک والور هم بردم و آنجا را

مثل اتاق طلبگی درست کردم و خلاصه،

شدم طلبه آنجا. زیر اتاق آقا هم بود. آقا بالا

بود و من پایین. کتاب‌های مورد نیاز خودم

را که عمده فقه و اصول بود، بردم آنجا و

هنوز هم پادم هست که کجای اتاق، آنها

را ردیف گذاشتم. در همان ایام مرحوم

«ربانی‌شیرازی» یک سفر آمد مشهد.

وقتی می‌خواست با من ملاقات کند، او

را بردم همان جا. اتاق را که دید، گفت:

«عجب! اینجا حجره خوبی است.» چون

اتاق سرد بود، شب‌ها می‌رفتم زیر عبا تا

بتوانم با نهایت سختی مطالعه کنم؛ البته

آن هم نمی‌شد؛ برای اینکه تا می‌آمدم

گرم مطالعه شوم، از بالا صدایی می‌آمد و

خانواده حرفی می‌زدند. پدر و مادر کم‌کم

نگران شدند؛ چون هم اتاق مرطوب بود و

هم من تا دیروقت، آنجا مطالعه میکردم.

دلم هم می‌خواست همان جا بخوابم و

برای خواب بالا نروم، ولی آنها به خاطر

همان ملاحظاتی عاطفی رایج مخالفت

می‌کردند و نمی‌گذاشتند و می‌گفتند اینجا

مرطوب و سرد است. پدر و مادر، فرزندان

را بچه می‌دانند؛ یعنی هر سنی هم که

باشد، بچه است! فکر می‌کردند که اگر

از ما مراقبت نکنند، طوری می‌شود. آقا

گفته بود: «علی‌آقا زیادی به خودش فشار

می‌آورد و خودش را اذیت می‌کند. زائد

است اینها، این جوری لازم نیست.»

به نقل از کانال شهید‌خانم‌های‌به‌روایت‌خودشان

حسن ختام

السلام علیک یا بقیه‌الله

آمد محرم، ای سید من. آمد ماهی که

صدای هل من ناصر ینصرنی حسین(ع)

دوباره در گوش تاریخ پیچید. گویا دیروز

بود که مشک‌های خشک در فرات ظلم

غرق شد و گویا همین امروز است که ناله

رباب هنوز در خیمه‌ها مانده است، اما ما

در این روزها، سوگوارتر از همیشه‌ایم؛ چرا

که نه فقط داغ جدایی تو، که زخم تازه‌ای

بر دل داریم.

ای مولای من... این روزها چشمان‌مان را

که باز می‌کنیم، گرد یتیمی را روی سرمان

حس می‌کنیم. یزیدیان زمان، دلیران این

آب و خاک را نشانه گرفتند و پاسداران

حریم تو، مدافعان حرم تو و سربازان این

سرزمین– که سال‌هاست به عشق ظهورت

تا پای جان ایستاده‌اند– به خاک و خون

کشیدند.

یا فارس الحجاز! به خدا قسم، وقت انتقام

فرارسیده. چشمان منتظران، در هر سحر

و شام، تو را می‌خواند تا بیایی و زخم کهنه

قدیمی شیعه را که از صفین و کربلا مانده،

یک بار برای همیشه التیام ببخشی.